

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه هفتم دیماه ۱۳۲۰

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - تقدیم استعفاء از نمایندگی دوره سیزدهم از طرف آقای دکتر اهری .
- ۳ - شور اول طرح بیان بین سه دولت .
- ۴ - استرداد لایحه مربوط به تصفیه امور املاک و تقدیم لایحه جدید از طرف آقای وزیر دادگستری .
- ۵ - تقدیم لایحه یکی شدن وزارت پیشه و هنر و بازرگانی .
- ۶ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس چهار ساعت بعد از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید

صورت مجلس یکشنبه سی ام آذرماه را آقای طوسی (منشی) قرائت نمودند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ آقای طوسی .
طوسی - در جلسه قبل موقعی که بنده مشغول مذاکره بودم ظهر رسید و ختم جلسه پیشنهاد شد باین مناسبت بنده عرایض را ترک کردم و فرمودند که در این جلسه عرض کنم

حالا هم از نظر اهمیت موقع و مطالب مهمتری که در پیش است از عرایض صرف نظر میکنم .
رئیس - آقای و کتر جوان .
دکتر جوان - در صورت مجلس نوشته اند که بنده راجع به تجدید نظر در قانون نظام وظیفه عرضی کرده ام در صورتیکه

(مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

این مذاکرات مشروح یازدهمین جلسه از دوره سیزدهم قانون گذاری

اداره تئندلویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غایب با اجازه - آقای مخبر فرهمند .
غائبین بی اجازه - آقایان : افعلی - توایب - دکتر فنی - دکتر ضیاء - رهبری - صدر - اعظم زنکنه - اکبر - هدایت الله پالیزی - مؤید قوامی - اصفهانی - دکتر ادهم - آصف - سلطانی - صادق وزیر - مقدم - پارسا - معذل - نصرتیان .
دیر آمدگان با اجازه : آقایان - صفوی - نقابت - انوار .
دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : رضوی - مسعودی خراسانی - دکتر سهیمی - منصف - شهدوست - مؤیداللهی - مؤثر - ابابزری - ارگانی - دکتر تاج بخش - مشار - مکرم انشار - یهین اسفندیاری - دکتر جوان - نراقی - طباطبائی - شیرازی - نیکپور - نازی - جهانشاهی - خسروشاهی - تهرانچی - فتوحی - شهابنگ - پناهی - دکتر مودب نفیسی - مسعودی - مستشار - دکتر لقمان - امامی - دشتی .

عرض بنده راجع به تجدید نظر نبود و عرض کرده بودم که
قانون نظام وظیفه موقتاً موقوف بشود .

رئیس - به‌بکار خوب اصلاح می‌شود در صورت مجلس
دیگر نظاری نیست؟ (خیر) صورت مجلس تصویب شد.

۲- تقدیم استعدا از نمایندگی دوره سیمزدهم]

رئیس - آقای دکتر اهری قبل از دستور فرمایشی دارید؟
دکتر اهری - عرض بنده مختصر است و راجع است

بنمایند کمی خودم در دوره سیزدهم مجلس که شرحی بمقام ریاست مجلس عرض کرده ام و در همین عریضه تقاضا کرده ام که در مجلس قرائت شود .

(عریضہ خود را تقدیم مقام رہاست نموده و از مجلس خارج شد اند)

(۳ - شور اول طرح پیمان بین سه دولت)

رئیس - گزارش کمیسیون امور خارجه ملاح است .
گزارش کمیسیون .

کمیسیون امور خارجه لایحه شماره ۴۷۱۵ دولت راجع
باجازه مبادله پیمان اتحاد بین دولت شاهنشاهی ایران و دول
اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و انگلستان را با حضور
جناب آقای نخست وزیر و وزیر امور خارجه تحت شور و
مطالعه قراردادده و با توضیحاتی که در اطراف هریک از فصول
پیمان و نامه های پیوست آن از طرف دولت داده شد بالاخر
با اصلاحاتی که در فصول آن بعمل آمد با این ماده واحد
پیشنهادی دولت موافقت حاصل شده اینک گزارش آن برای
شور اول تقدیم میشود .

رئیس۔ آقای وزیر فرهنگ۔

وزیر فرهنگ - (آقای تدین) - اولاً مطابق معمولو

نظامنامه اجازه بدهید ماده واحده خوانده شود و ثانیاً یک اصلاح عبارتی است قبلاً هم تذکر داده شد معلوم میشود که غفلت شده و آن این است که اینجا نوشته شده این پیمان مشتمل بر نه ماده است بحای کلمه فصل ماده نوشته شده باستانی نوشته شود این پیمان مشتمل بر نه فصل است.

رئیس - اصلاح میشود ماده واحده قرائت میشود .

ماده واحده - مجلس شورای ملی پیمان اتحاد بین دولت
شاهنشاهی ایران و دول اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و

این قرارداد دولت ایران از حالت انفرادی که داشته (و به عقیده من بعد از اینهم خواهد داشت) داخل در قسمت دوم یعنی اتحاد میشود. چه قدر خوب است آقای فروغی بگویند که این اتحاد از چه نوع اتحادی است. البته از نوع اتحاد مطلق نیست از قسم اتحاد عمومی هم نمیتواند بود. پس یا از نوع اتحاد تعرضی است یا اتحاد تدافعی. وقتی آقای نخست وزیر ناچار یکی از این دو نوع را اختیار فرمودند آن وقت ثابت خواهم کرد که از هیچ کدام از این دو نوع هم نمیتواند باشد و یک نوع اتحاد غیر معقولی است که در قوانین سیاسی سابقه نداشته و ندارد. در باره اعتراضی که بفضل اول این قرارداد دارم دو موضوع را از همه مهمتر میدانم . . .

اقبال - بنده اخطار نظامنامه‌ای دارم در مواد نمی‌توانند
ایشان داخل شوند

رأيس - داخل مواد شوب

دکتر جوان... مانعی ندارد ایشان در کلیات مصححیت میکنند میتوانند داخل مواد هم بشوند.

لو بحث - یکی و اثر تعهد دیگری ذکر استقلال سیاسی
 بشکل انحصار عین فصل اول این است : (اعلی حضرت پادشاه
 بریتانیای کبیر و ایرلند و مستملکات انگلیس ماوراء بحار و
 امپراطور هندوستان و هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر
 شوروی سوسیالیستی) که از این پس آنها را دول متحده
 خواهیم نامید) مشترکاً و هر یک منفرداً تعهد میکنند که
 تمامیت خاک ایران و حاکمیت و استقلال سیاسی ایران را
 محترم بدارند) بنده میخوانم در اینجا وارد تاریخ بشوم زیرا
 البته همه آقایان از تاریخ ایران استحضار کامل دارند اما
 میخوانم عرض کنم که آنچه تا امروز مورد اعتراف همه دول
 و ملل دنیا است این است که ایران مستقل و آزاد است و در
 داشتن این آزادی و استقلال بدون مداخله و التاف هیچکسی
 نبوده و نیست و تنها بشایستگی داشتن حق حیات و حقانیت
 و با زور و قوت معنوی و مادی خود توانسته است همیشه
 مستقل باشد و همیشه بالقوه و بالفعل نیرومند و زنده بوده است
 و خواهد بود .

— ୩ —

من نمیدانم آرزوی که شاهنشاه ایران خود را امپراطور آسیا و پادشاه ماوراء دریاها درسینه کوه بیستون ثبت کرده است دیگران کجا بودند. ایران شاه عباس و نادرشاه بزرگتر از آن است که کسی بتواند استقلال حقیقی او را متزلزل نماید و بر روی دلائل بسیار قوی استقلال ایران نیازمند بتمهید و محتاج بعقد پیمان نیست و تمامیت خاک ایران نیز برطبق اصل سوم قانون اساسی و برطبق عهدنامه های دائر بر تعیین حدود و مرزها و مطابق اعتراف تمام دنیا عموماً و دول همسایه خصوصاً امری است مسلم و هیچگونه احتیاجی بتصدیق و تعهد نداشته و ندارد مخصوصاً همسایه بزرگ مادیات اتحاد جماهیر شوروی روسیه در عهدنامه ۲۶ فورال ۱۹۲۱ که در تاریخ بیست و سوم قوس ۱۳۰۰ در همین مجلس شورای ملی تصویب شده است در فصل دوم آن تصریح میکنند که :

(دولت شوروی روسیه از سیاست های دولتهای روسیه تزاری که بدون رضایت ملل آسیا و به بهانه تأمین استقلال ملل مزبور با سایر ممالک اروپا در باب شرق معاهداتی منعقد نمودند که بالنتیجه منجر باستملاک آن میگردد اظهار تنفر میکنند) و نیز در عهدنامه تأمینیه و بیطرفی منعقد بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی مصوبه ۲۷ مهر ماه ۱۳۰۶ در فصل سوم تصریح شده است که (هر يك از طرفین متعاهدین متعهد میشود که نه عملاً و نه رسماً در اتحادها و ائتلافهای سیاسی که برضد مصولیت بری و بحری و یا برضد استقلال و یا تمامیت و یا حاکمیت طرف متعاهد دیگر منعقد شده باشد شرکت ننمایند) چون دولت اتحاد جماهیر شوروی در هر دو عهدنامه مذکور که بحکم امضای اجرای طرفین معتبر بوده و خواهد بود از اینگونه تأمینها یا به عبارت دیگر از تعهداتی که به بهانه تأمین استقلال است رسماً اظهار تنفر نموده و متعهد شده است که در هیچ نوع اتحاد سیاسی که برضد استقلال و تمامیت خاک ماست شرکت ننماید. من تعهدی را که در فصل اول این قرارداد است مخالف مفهوم عهدنامه های سابق و معتمد که اتحاد جماهیر شوروی يك کشور بزرگ عدالت پروری است که هرگز برخلاف

عهدنامه خود اقدامی نخواهد نمود و چنانچه گفته شد مطابق قوانین بین المللی هر قراردادی که در ضمن آن رعایت مفهوم و معنای قرارداد های دیگر شده باشد آن قرارداد باطل و بخودی خود لغو خواهد بود. اما آنچه راجع بذکر واژه استقلال سیاسی است لازم است که عرض کنم اثبات چیزی نفی مایعدا نمیکند و البته ایران دارای همه نوع استقلال است که در علم سیاست با استقلال تام و تمام تعبیر میشود. استقلال اجتماعی و مدنی، استقلال اقتصادی، استقلال جنسکی و محاربه، استقلال فاعلی و نظامی، استقلال صنعتی و تجارتي، استقلال دینی و سایر انواع استقلال را ایران همیشه داشته و دارد و خواهد داشت. این را هم عرض میکنم که قید این فصل هر قدر هم که جامع و مطابق واقع و حقیقت نوشته شود اساساً موثر و مایه شك و شبهه و بلکه مشوم است زیرا که قرارداد چنانکه دولت میگوید قرارداد اتحاد است البته چنین قیدی و چنین شرطی نسبت بیک طرف لازم نیست و اگر لازم باشد دولت ایران هم باید نسبت بشکشور انگلیس و روسیه نیز چنین تعهدی را قائل بشود. اگر تعهد دولت ایران نسبت بآن دو دولت که هر دو مسلماً دو دولت مستقل هستند عبت و بی معنی است لازم میآید که تعهد آنها هم نسبت بایران که البته دولت مستقل و آزاد و بیطرفی است عبت و بی معنی باشد چنانکه در هیچ پیمان و قراردادی که ما تا کنون با دول دنیا عموماً و با اتحاد جماهیر شوروی خصوصاً بسته ایم چنین فصلی را قائل نشده و چنین قیدی نکرده اند مگر در معاهده مشومی که وثوق الدوله با دولت انگلیس بست آنها هم حالش معلوم و عملاً غیر قابل اجرا بود و بالطبع لغو شد. فصل دوم قرارداد این است. مابین دولت اعلی حضرت هماون شاهنشاه ایران از یکطرف و دول متحده از طرف دیگر پیمان اتحادی بسته میشود. علما و دانشمندان این نکته را از مسلمیات شمرده اند که هر گونه معاهده و پیمانی میباید با منافع و با احتیاجات طرفین موافقت داشته باشد. یعنی با موقعیت کشور با وضع زندگی و حالات روحی و تمایلات مللی که دولت های ایشان پیمان می بندند این پیمان

مطابقت کند و باید منفعت هر دو طرف (در این قرارداد هر سه طرف) منظور شده باشد و گر نه چنین پیمانی که نفع طرفین در آن ملحوظ نشده یا بیشتر رعایت یکطرف شده باشد غیر قابل اجرا خواهد بود. چنانکه قرارداد ۱۹۰۷ روس تزاری با انگلیس و قرارداد ایران و انگلیس که ایران بسته بود و وثوق الدوله بسته بود چون نفع ایران در آنها ملحوظ نبود بالطبع از میان رفت و بدون اینکه اجراء بشود از هم گسیخته گردید و اگر هم اجراء شده بود البته چون عادلانه نبود خود بخود از میان میرفت چنانکه رفت زیرا اشخاصی که آن قراردادها را بستند منافع طرفین و یا طرفی را که بر روی او معاهده بسته بودند در نظر نداشته و ظاهراً آنها در دنیا بسیار اتفاق افتاده است بدیهی است که این اتحاد برای ایران به تنهایی سود و نفعی ندارد بلکه بعقیده من یکطرفی شدن ایران مضر است و کشور ایران باید بیطرفی کامل خود را حفظ کند اما نه آن بیطرفی که آقای نخست وزیر برای ما تعبیر و تفسیر نموده اند. آقای نخست وزیر بیطرفی سوئد بیطرفی آمریکا بیطرفی ترکیه را سه نوع بیطرفی شمرده و یکطرفی شدن ایران را هم نوعی از بیطرفی دانسته اند چنانکه در مصاحبه خود با آقای مدیر روزنامه اطلاعات فرمودند چه مانعی دارد که با وجود همین عهدنامه اتحاد هم دولت ایران را که بسوجب این عهدنامه مکلف به محاربه با هیچ دولتی نمیشود بیطرف بدانیم. مقصود آقای فروغی گویا این است که چون در این قرارداد ایران مجبور به جنگ با کسی نیست بیطرف است اما نمیدانم چرا این عدم شرکت در جنگ را بصورت مکلف بودن ذکر کرده اند و من هیچ نمیتوانم بفهمم این مکلف بودن چه معنی میدهد. چطور میتواند ایران مکلف و متعهد بشود که با هیچ دولتی محاربه نکند. شما مگر میتوانید استقلال جنگی ایران را منکر بشوید. البته انکار آن ممکن نیست و ایران همیشه حق داشته و حق دارد و همیشه حق خواهد داشت که بالقوه و بالفعل از خود دفاع نماید و بر طبق استقلالی که دارد حق دارد شاهنشاه او اعلان جنگ بدهد. شما آقای فروغی چرا بیطرفی را مطابق میل خودتان تفسیر میکنید. این تفسیر

شما در هیچ قاموسی از قاموسهای سیاست دیده نشده است آیا نمیدانید این نوع تعبیر و تفسیر برای کشورهایی میشود که حیات و استقلال حقیقی ندارند؟! ما حاضریم مثل دولت سوئد بیطرف باشیم یعنی بدولت انگلیس اجازه بدهیم اگر بخواهد مهمات خود را از راه ایران با اتحاد جماهیر شوروی بفرستد ولی حاضر نیستیم از این قسم بیطرفی تجاوز کرده با او متحد هم بشویم و حاضر نیستیم که اجازه بدهیم از کشور ما در مقابل مهاجم دیگری دفاع کند. ما حاضریم مثل دولت ترکیه بیطرف باشیم یعنی از جنوب بشمال و از مشرق بمغرب ایران از مرزی تا مرزی دیگر مصون باشد را چندی در ایران نباشد ما هم با اتحاد جماهیر شوروی و انگلیس مثل ترکیه متحد باشیم. ما حاضریم مثل آمریکا هر گونه کمکی که از ما بر آید نسبت بهمسایگان خود معمول داریم اما بشرط آنکه مثل آمریکا کشور ما از تجاوز و فعالیت بیگانگان مصون و محفوظ باشد. لیکن نه اینکه قسم که هم بیطرف و هم یک طرفه هم متحد هم ناقد استقلال جنگی و هم تمام سود و منافع قرارداد برای یک طرف و تمام زیان و بدبختی ها برای یک طرف. آیا اقدامات مضره باستقلال مملکت که در قانون اساسی ما قبل استیضاح و قابل عیا کدهاست کدام است؟ آیا جز این است که آقای فروغی گفته اند و میخواهند آرا هم اجرا بکنند؟ حقاً این فصل را که حاکی از بسته شدن پیمان اتحاد است برای ایران مضر میدانم زیرا در این صورت ایران یکطرفی میشود و با هزار گونه سریشم هم بیطرفی باو نمیچسبد و من با دلایل بسیار عقیده دارم که ایران باید بیطرفی خود را از دست ندهد و با هیچ کس طرف نشود و بالاخرین دلیل ما این است که با وجود تعرضی که از شمال و جنوب پیران شد آرتش ایران اسلحه خود را بزمین گذاشت

طوسی - جنگ نکرد آقا! کجا جنگ کرد!

لو بخت - و جنگ خود را ادامه نداد و از این پس هم سلاح او نیست که از بیطرفی دست بردارد و مخصوصاً ایران از حیث موقعیت بر عکس نظریه آقای فروغی نمیتواند این قرار داد را با منافع خود وفق بدهد زیرا ژاپن که یک

دولت مقتدر آسیائی بیست و بادولت اتحاد جماهیر شوروی هم که همسایه بزرگ ماست نسبت باو بیطرف است به پیرمانی رسیده است هند هم که در همسایه جنوبی ماست، ترکیه و افغان هم که دو طرف دیگر ما هستند البته بیطرف اند پس ما میان چهار دولت واقع شدیم که همه نسبت بهم مودت و بیطرفی را حفظ نموده اند و با این حال نمیدانم چگونه اقتضایکند که ما از اصل بیطرفی منحرف بشویم و نمیدانم این عمل چگونه با منافع و احتیاجات ما وفق میدهد. برای دولت اتحاد جماهیر شوروی نیز گمان نمیکنم این قرارداد سود زیادی داشته باشد زیرا تنها فایده ای که برای این همسایه بزرگ ما منظور است همان راه آهن است که گویا از آن راه مهمات حمل میشود آن را هم که دولت ایران برضا و رغبت حاضر گردید تنها علت امقاد این قرارداد یک چیز میماند و آن عبارت است از رعایت خاطر انگلیس که بعقیده من تمام منافع این قرارداد برای او منظور شده است نه کشور ایران نه کشور اتحاد جماهیر شوروی هیچ کدام را در آن منفعتی نیست بلکه کشور ایران را نیز مضرت است و اگر آقای ایدن هم اینجا تشریف داشتند شاید ممکنشان نمیشد که از حیث موقعیت ایران لزوم چنین قراردادی را برای ایران ثابت کنند و فقط آقای فروغی میتوانند در پاسخ من بگویند اشتباه کردند. یک مورد از موارد اشتباه را هم نشان بدهند شاید در دنیا هیچگونه قراردادی مانند این قرار داد به نفع یک طرف و ضرر طرف دیگر منعقد نشده باشد و بهترین برهان این مطلب فصل سوم این قرار داد است. فصل سوم ۱ - دول متحد مشترکاً و هر یک منفرداً متعهد می شوند که به جمیع وسائلی که در اختیار دارند ایران را در مقابل هر تجاوزی از جانب آلمان یا هر دولت دیگر دفاع نمایند الی آخر. داستانی است بسیار غم انگیز سرگذشتی است حزن آور در این فصل کارها قسمت شده است بعضی را دول متحده متقبل شده اند که برای ایران انجام بدهند که بعقیده هر آدم وطن پرستی بزیان و ضرر ایران است بعضی را هم ایران متعهد شده است که بالطبع به منافع اطراف و بضرر و خسارت

و بدبختی ایران منتهی خواهد شد. قاعده علمی است که در يك قضیه استقرائی یعنی در يك قضیه که چندین قضیه را بنا به مسلم بودن اولی مسلم میشمارند و بر او حمل میکنند قطعاً باید قضیه اولی از مسلمیات باشد این فصل سوم که قضیه استقرائی است قسمت اول از تمام آنها بی پایه تر و بدشتر از همه غیر مسلم و غیر ضروری است. دول متحد متعهد میشوند که ایران را در مقابل هر تجاوزی دفاع نمایند اولاً که تجاوزی نسبت بایران از طرف ترك و افغان که با ما همسایه اند و بیمن مودت و عدم تعرض با آنها داریم متصور نیست از دو طرف دیگر هم که تجاوز شده است از طرف دول دوردست هم مثل آلمان و غیره که کشورهای دیگر و حتی کشور روسیه خود حایل و مانع است و تجاوزی بایران از طرف دیگری مسلم و حتی متصور نیست زیرا ایران در متن جنگ واقع شده است. ضمانت و تعهد این موضوع شاید وقتی لازم آید که اولاً محقق باشد که این کشور در معرض خطر مسلم واقع شده و ثانیاً این ملت خود بخواهد و از دولتی قوی تر از خود چنین خواهش را بکنند و این هر دو شرط نه تنها مسلم نیست بلکه قسمت اول خیلی بعید بنظر می آید و قسمت دوم هم ابداً وجود ندارد یعنی ملت ایران چنین دفاعی را نخواهد بکردار و مهربانی بزور هم تاکنون کسی شنیده است بنا بر این چنین دفاعی برای حفظ ایران نیست بلکه منظور نفع دیگری است و مسلماً قید و اظهار این دفاع موردی ندارد زیرا بهر حال دفاع خواهند کرد و در قید آن بزرگترین زیانی که ممکن است متوجه ما بشود همان حق دفاع دادن بدیگران است و البته این موضوع را در ضمن توضیحی که باید برای اعتراض بفصول قرارداد عرض نمایم اگر اجازه بیابم روشن و واضح خواهد کرد. این تعهد دفاعی هر گاه بمعنی ضمانت است که هرگز ضمانت این معنی را نمیدهد زیرا ضمانت در اصطلاح حقوق سیاسی حکم پیمان و معاهده اتحاد دفاعی را دارد وقتی لازم می آید که دولتی یا کشوری در معرض خطر باشد خود او از دولتی قوی تر ضمانت را بخواهد در صورتیکه هیچکدام از این دو شرط موجود نیست و هیچکس نمیتواند ثابت کند که

ما در معرض خطر هستیم و اگر بر فرض چنین باشد البته از طرف ملت ایران چنین خواهشی یا اقرار رضایتی نشان داده نشده است که دیگران دفاع ایران را تعهد کنند خاصه و قتیکه تصریح نشده است که این تعهد از چه قبیل تعهد است زیرا خیلی از تعهدها هستند که بکلی برخلاف استقلال مملکت و برخلاف حق مشروع دولتها است.

بدتر از همه آنست که این تعهد برای ما تولید دشمنی میکند البته تا بحال دول آلمان و متحدین او با ما اعلان دشمنی نداده اند بلکه خود آلمان و متحد او ژاپن هم با ما پیمان مودت دارد و نمیتوان گفت که ژاپن هم دوست است هم دشمن و البته بموجب پیمان مودتی که با او داریم و در همین مجلس تصویب شده است او با ما دوست است و چون دولتی مقتدر و آسیائی است این نزدیکی ایجاب کرده است که با او پیمان مودت بسته ایم چنانچه بل نام کشورهای مستقل دنیا و پیش از همه با اتحاد جماهیر شوروی پیمان مودت داریم. آیا معنی همکاری نزدیک که در اطلاق شاهنشاه ایران در مجلس ایراد شد معنایش همین است که دشمنی دیگران را بخود جلب کنیم و آیا منظور از تشکیل دولت چنین عملی است البته اینطور نیست و نباید اینطور باشد.

پس ما نمیتوانیم اجازه بدهیم که دیگری ایران ما را دفاع کند و دفاع از ایران همیشه بالقوه و بالفعل اگر ملت بخواهد حق خود ایران است و منظور ما از تشکیل دولت مثل منظور تمام ملل مستقلة دبستان او می باید حقوق سیاسی و حقوق داخلی و خارجی ما را مصون و محفوظ بدارد. تعهد دولتی از دولت دیگر البته جلب عداوت دیگری را خواهد نمود یعنی دولت تعهد شده گذشته از همه عیوبی که ذکر شد بر طبق قوانین سیاسی محارب شناخته میشود و گمان نمیکند که ملت ایران و مجلس شوروی دولت خود را برای چنین کاری معین کرده باشد بلکه برای آن معین کرده است که از اینگونه پیش آمده ها جلوگیری کند. اگر دولتی پیدا شود که برخلاف نظر ملت خود عمل کند البته آن دولت دولت غاصب است و هر کاری که بکند از درجه اعتبار ساقط خواهد بود و بسیار غریب است که مادولتی را که مرتکب قتل فردی

میشد تقبیح میکنیم اما در باره دولتی که مرتکب قتل اجتماعی میشود ساکت میمانیم قتل اجتماعی یعنی چه یعنی يك ملتی که جنگ با هیچکس ندارد او را در معرض کشتار و بلای خانمانسوز جنگ قرار بدهیم. البته تصدیق میفرمائید که چنانکه معلوم است همسایگان میگویند حمله ما بایران در اثر آن بود که دولت ایران از بیطرفی منحرف شده بود این را آنها میگویند در اینصورت تصور نمیفرمائید که این قرارداد هم همین بهانه را بدیگران بدهد؟ ما با نهایت بدبختی و خون جگر راه آهن درست کردیم و زندگانی مختصری تهیه نمودیم و این ملت بیچاره نان نخورد و چاده ها را درست کرد و شکم مردم شن ریزی کردید تا خیابانها آسفالت گردید اینها چه خواهد شد؟ مردمی که هیچ پناهگاهی ندارند در مقابل دشمنانی که باین قرارداد برای خود درست میکنند آیا چه خواهند کرد؟

در باره فصل چهارم این قرارداد که بدول متحده اجازه میدهد که در خاک ایران قوای زمینی و دریائی و هوایی نگاه بدارند و این عمل را هم تصریح میکنند که صورت اشغال نظامی ندارد بعقیده من نه تنها با مفهوم بیطرفی و استقلال تام و تمام ایران متناسب نیست بلکه با عهدنامه ها و قراردادهائی که ایران با اتحاد جماهیر شوروی منعقد نموده است و برای همیشه بقوت خود باقی است بکلی مباین میباشد و در حقوق بین المللی تصریح شده است که هر دولتی با دولت دیگری قرارداد منعقد میکند مجبور است که قراردادها و پیمانهای سابق را که با آن دولت و با سایر دول مستقل بسته است رعایت نماید و هر معاهده و قرارداد اوینی باید با پیمانهای پیشین متضاد نباشد. برای آنکه ثابت شود که این قرارداد با تمام پیمانهای که با اتحاد جماهیر شوروی بسته ایم مباین است در اینجا عهدنامه مودت ۲۶ فورال ۱۹۲۱ بین ایران و جمهوری شوروی روسیه با مضای چپچری و کاراخان مصوب بیست و سوم قوس ۱۳۰۰ را یاد آوری میکنم که در فصل دوم آن دولت جمهوری شوروی استنکاف خود را از مشارکت در هر نوع اقتصادی که منجر بتضعیف و محفوظ ماندن سیادت ایران بشود

اعلان نموده و در مراسله ۲۶ ژون ۱۹۱۹ با مضای که یسر خارجی امور خارجه جمهوری اشتراکی اتحاد شوروی ندین شکل تصریح شده است: ماده ۱۴ روسیه از هر نوع مشارکت در تشکیل قوای مسلحه در خاک ایران صرف نظر مینماید. و نیز در عهدنامه مصوبه ۲۷ مهر ماه ۱۳۰۶ که بین ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی منعقد شده است در فصل دوم اظهار میدارد: هر يك از طرفین متعاهدین مورد حمله يك یا چند دولت ثالث بشود طرف متعاهد دیگر متعهد میشود بیطرفی خود را در تمام مدت خلاصه محفوظ بدارد و ضمناً طرفی که مورد حمله واقع شده است نباید بر فرض هر قسم ملاحظات سوق الجیشی و تا کتیکی و یا سیاسی که باشد و یا هر نوع منافعی که برای او از آن متصور شود این بیطرفی را نقض نماید. و در فصل سوم اشعار میدارد که (هر يك از طرفین متعاهدین متعهد میشود که نه عملاً و نه رسماً در اتحادها و ائتلافهای سیاسی که بر ضد مصوایت بری و بحری و یا بر ضد استقلال و تمامیت و یا حاکمیت طرف متعاهد دیگر منعقد شده باشد شرکت نمایند) از روی راستی و درستی میتوان اصراف داد که دولت اتحاد جماهیر شوروی از آغاز انعقاد عهدنامه های مذکور تا سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ رعایت عهدنامه های مذکور را نموده و در اثر این مودت و دوستی ملت ایران نیز نسبت بآن دولت بزرگ بادیده احترام نگریسته و از این دولت دوست و همسایه خود انتظار نداشت که بر خلاف آنها عملی مشاهده کند و اکنون نیز انتظار ملت چهل کروزی ایران از دولت اتحاد جماهیر شوروی همین است که همان دوستی و مودت دیرین خود را رعایت نموده در اثر همان و جاهتی را که در میان زوده ایرانی داشته محفوظ بدارد. ملت ایران بخوبی دانسته است که اتحاد جماهیر شوروی نسبت بسایران پیوسته نظر مودت و دوستی داشته و مراسله کمیسیون ملی امور خارجه شوروی را که در ۲۶ ژون ۱۹۱۹ بدولت ایران فرستاده هرگز فراموش نمیکند زیرا در پایان مراسله صریحاً اعلام داشته که (ملت انقلابی روسیه سلام برادرانه خود را بایران فرستاده و آرزو مند است که شاهانهای فرسوده ملت ایران تحمیلات انگلیس ها و دول مستعمرانی متحده دیگر را که قصدشان

خفه کردن قطعتی ایران دست و پا بسته است دور اندازد و ملت روس اعتقاد دارد که ملت سی کروری ایران نمیتواند بمیرد و همچو ملتی که دارای چنین گذشته با افتخار و درخشانی است در صفحات تاریخ تمدن حق اساسی را دارا میباشد که با يك جنبش توانا از خواب چند ساله بیدار شده و دور یغماگران رذل را سرنگون کرده برادرانه داخل در صنف ملل متمدن شده برای سعادت نوع بشر کارهای شایسته خواهد نمود پس ملت ایران اگر امیدی بحفظ مودت و دوستی همیشگی داشته باشد این امید متوجه با اتحاد جماهیر شوروی است که چنین سابقه های درخشان و بیانات گرم و پر از مهر و مودتی نسبت بایران داشته است و این انتظار را ندارد که اجازه بدهد قوای خارجی در ایران تمرکز یافته احساسات همان ملت سی کروری که او را برادر ملت روس خوانده است جریحه دار شود. زیرا ملت ایران در اثر اظهار همان گونه مودت ها پیوسته نسبت بروسیه شوروی قلبی پر از محبت داشته است و هیچوقت راضی نبوده است که سیاست دولت او بیکطرفی باشد.

در بند دوم فصل ششم که درباره روابط ایران با کشورهای دیگر اظهار شده است مخالف مفهوم بیطرفی و استقلال نام و تمام این کشور است. علمای حقوق سیاسی تعریف جامعی که برای استقلال نموده اند این است که هر دولت مستقلى در رفتار داخله و خارجه خود آزاد است و استقلال عبارتست از حق قبول نکردن مداخله دولتی دیگر در امور داخلی و در ارتباط و روابط خارجی. آنوقت در ذیل این معنی علمای سیاست و حقوق تصریح میکنند که هر دولتی که از کلیه یا از قسمتی از حق روابط خارجی محروم باشد یا محروم بشود آن دولت را متحد با دولت دیگر شناخته اند و دول حمایت شده یعنی تحت الحمایه از این قبیل اند و البته ایران روابط سیاسی خود را با همه دول دنیا دارد و خواهد داشت.

فصل ششم که مفهوم آن عدم رابطه با سایر دول است بهیچوجه قابل قبول نیست و بکلی مخالف مفهوم فصل اول این قرارداد است و علاوه بر این از مسلمیت علمای سیاست و حقوق یکی این است

که هر قراردادی که در باب دخالت با امور دولت مستقلى بسته شود آن قرار داد بموجب قوانین بین الملل باطل است. دیگر از آن مسلمیات حقوقی این است که هر قرارداد با معاهده ای که اختیارات اصلیه دولتی را محدود کند یا مضمحل نماید آن قرارداد باطل است و دنیا آنرا بر سمیت نمیشناسد. بدیهی است که در اصطلاح حقوق و سیاست از جمله اختیارات اصلیه هر دولت مستقلى آن است که با تمام دنیا بتواند رابطه سیاسی داشته باشد چنانکه ما امروز معنای بالقوه داریم و خواهیم داشت دیگری از آن مسلمیات حقوق سیاسی این است که هر قرارداد و پیمانی شروطی اساسی دارد که از آن جمله یکی تصدیق و دیگری توافق، تصدیق آن است که تمام دول خارجه آن قرارداد را که میان دو یا سه دولت بسته شده است تصدیق کنند. و چنین امری هرگز میسر نیست یعنی نسبت باین قرارداد هیچ دولتی تصدیق نمیکند زیرا بشئون ملی ایران لطمه وارد میآورد و ملت ایران هرگز چنین امری را نمیپذیرد.

اما توافق دو قسم است یکی موافقت دول دیگر با يك قرارداد که آنها مثل تصدیق هرگز نمیشود. دیگری توافق پیمانی است. توافق پیمانی آن است که هر دولتی که با دولت دیگر پیمانی میکنند مجبور است که تعهداتی که در عهدنامه های سابقه نسبت بناتزال دول متقبل شده و قبول نموده است رعایت نماید یعنی هیچ معاهده جدیدی نمیتواند حقوق سایر دول را که در این عهدنامه جدید دخالت ندارند از میان ببرد. ما با سایر دول روابط داریم ما با این پیمان مودت بسته ایم و در مجلس هم تصویب شده و بقوه خود باقی است. ما با تمام ملل اروپا و دول مستقل آسیا و آمریکا پیمان مودت داریم. بعضی از مواد این پیمان چون حق دول دیگر را که با ما پیمان مودت دارند سلب میکنند و در این پیمان جدید پیمان های سابق ما رعایت نشده است بر طبق قوانین سیاسی این پیمان نمیتواند قانونی و محققانه شمرده شود زیرا علمای حقوق متفقاً گفته اند که هر قراردادی که در آن رعایت قرارداد های سایر دول را با آن دولت نکرده باشند و هر قرار دادی که سلب حقوق مدنی از دول و ملل خارجه در مملکت بنماید این قرارداد باطل است. و دیگر

از مسلمیات حقوق سیاسی این است که روابط هر دولتی با سایر دول از لوازم میان آن دولت و ملت است و عبارت دیگر روابط بین المللی از لوازم حیات آن دولت و ملت است و عبارت دیگر روابط بین المللی از لوازم حیات ملل دنیا است و لازم و ملزوم تمدن و عمران میباشد. علمای سیاست این معنی را تصریح کرده اند که: هر دولتی که روابط سیاسی خود را با سایر دول قطع نماید مثل این است که حکم قتل خودش را داده باشد و همه دانشمندان حقوق متفق اند که چنین دولت و چنین ملتی حیات آن مبدل به ممات میگردد. من بقرآن عظیم سو گویم یاد میکنم که در عرایض خودم هیچ گونه نظرسوئی نداشته ام با دولت طرف هستم نه با همسایگان بد بین. تنها نظر من متوجه آب و مخاکی است که در او نشو و نما کرده ام و هستی من مربوط به هستی اوست و به من که فرزند او هستم واجب است در هنگام شدايد هر قدر بتوانم از او دفاع کنم اگر چه بقیمت جان من تمام شود. ما که مردم این آب و خاک را تشکیل میدهم مثل تمام دنیا هیچوقت ضمانت زندگانی نداریم امروز جان افراد را قیمتی نیست روزی هزارها نفوس کشته میشوند چه عیب دارد که ما هم برای جان خود ارزش قائل باشیم. از سر بازی برسیدند خوشبختی چیست گفت فداکاری در راه وطن و حضرت غلی امیرالمؤمنین ع فرموده است مرد دلیر در همه عمر يك مرتبه میمیرد و آدم رسودر عمر خود هزار مرتبه خواهد مرد و هنوز بی خوبی و بی غیرتی آن دسته مردمی که تسلیم قشون چنگیز میشدند پیش ما ضرب المثل است مردانی که جان خود را میدادند و ایران عزیز خود را میدادند همین ابرایان بودند و قدر مسلم این است که ما افراد روزی خواهیم مرد اما ایران هیچگاه نمیرد و اکنون هم نمی میرد و بعد از این هم هرگز نخواهد مرد. امروز روز مردانگی و فداکاری است بدانید که سر و شست سپی کرور نفوس ایران را تهیه میکنید بیايد محض خدا روی نادر شاه را سیاه نکنیم و بدانیم که دست قوی تر از تمام دست های قادر در دنیا موجود است و آن دست توانای خداست که هیچگاه در انتقام بدکاران خطا نمیکند.

(صحیح است - صحیح است)

نخست وزیر - بنده اول اشاره میکنم به قسمت اخیر بیانات آقای نماینده محترم و عرض میکنم که بنده بعقیده خودم ایران را که وطن من است، مثل همه کس دوست دارم و آنچه میکنم از برای خیر و صلاح این وطن میکنم و خدا را بشهادت میطلبم که در این موقع که متأسفانه چنین پیش آمده است که مقصدی امور مملکت باشم بهیچوجه من الوجوه منافع شخصی خود را در نظر نداشته ام بلکه میدانم که ممکن است به منافع شخصی بنده در این مورد لطمه وارد بیاید البته هر چه در عالم سیاست میکنم برای مصلحت مملکت است و تصور هم میکنم خوب باشد ولی نمیتوانم مدعی بشوم که هر چه میکنم خوب است. ممکن است اشتباه هم بکنم و لکن انسان چه تکلیفی دارد جز اینکه بعقل خودش رجوع بکند و هر چه عقلش گفت که صلاح است بر طبق آن عمل نماید البته مشاوره هم باید بکند مشاوره هم کرده ام هم با رفقا و همکاران خودم و هم با دیگران و بعد از این مطالبات و مشاورات و با این ایتی که دارم که خدمت باین آب و خاک بکنم و نیت دیگری هم نداشته و ندارم قدم گذاشته ام در این مرحله و راجع باین عهدنامه داخل مذاکره با دولت شوروی و انگلیس شده ام و بعد از آنکه باینجا که ملاحظه میکنید رسیده است بنده و همکارانم مقتضی دانسته ایم که به مجلس شورای ملی پیشنهاد کنیم و تصویب آن را توصیه نمایم و از آن دفاع هم بکنیم برای اینکه این عهدنامه بر صلاح مملکت است حالا بعد از این مقدمه که مربوط بود به توضیح بیانات آقای یوبخت وارد میشوم در بعضی مسائلی که ایشان اظهار کردند... چون ایشان تعلق خودشان را قبلاً حاضر کرده بودند و خواندند و بنده اینجا فقط شنیدم و خیلی چیز ممکن است از ذهن من برود. فقط بعضی چیزهای برجسته آنرا که توانستم یادداشت بکنم باندازه که حافظه ام اجازه میدهد جواب عرض میکنم.

يك مقدار از بیانات ایشان در اول امر متوجه این معنی بود که ما با بسیاری از دول دیگر معاهدات داریم و این عهدنامه با آن معاهدات منافات دارد پس بنابراین باینست

این عهدنامه را منعقد کنیم. اگر منظور ایشان همین است که بنده فهمیده ام باید عرض کنم که بنظر من يك منطقه عجیبی است بجهت اینکه مثل این است که ایشان تا بحال ندیده اند نظیر این را که يك دولتی با دول بسیار عهدنامه ها و قراردادهای داشته باشد و بعد در همان حال با يك دولت یا چند دولت دیگری عهدنامه اتحاد هم ببندد. اگر همچو چیزی را ایشان مدعی هستند که گمان نمیکنم بخواهند مدعی بشوند برای اینکه الآن که ما در این دنیا زندگی میکنیم نظایر آن در جریان است تمام این دولتها که بعضی با بعضی متحد شده اند با سایر دول دیگر هم بی رابطه و بی قرارداد بوده اند همه این دولتها با دیگر دولتها عهدنامه داشته اند روابط داشته اند با انواع مختلف معذک در موقعیکه مقتضی دانسته اند با يك دولت یا چند دولت دیگر عقد اتحاد بسته اند. این منطق ایشان را (مگر اینکه بنده غلط فهمیده باشم) اگر اینطور است که بنده فهمیدم بنظر بنده منطقی نیست و نمیشود با آن موافقت کرد و عهدنامه بستن چیز بدی نیست و نمیتوان گفت که ما چون يك عهدنامه با يك کسی بسته ایم تا وقتی که زنده هستیم (زندگی هم مقصود زندگی شخصی نیست زندگی ملی است و البته همانطور که آقای نوبخت هم فرمودند و بنده هم امیدوار هستم ملت ایران همیشه زنده باشد و اعتقاد دارم که ملت ایران استحقاق این را دارد که همیشه زنده باشد) با این تفصیل یعنی مادام که ملت ایران زنده است ایشان معتقدند که بایستی این عهدنامه ها باقی باشد و هیچ عهدنامه دیگری که با این عهدنامه ها منافات دارد بایستی منعقد بشود. اگر نظر آنان این باشد تصور میکنم آقایان دیگر با این نظر موافق باشند.

در باب اینکه این اتحاد چه نوع اتحادی است خیلی توضیحات ندادم همیشه قدر انواع اتحاد را فرمودند که اگر گفته شود این عهدنامه اتحاد تدافعی است یا تعرضی آنوقت بنده ثابت خواهم کرد که اینطور نیست، خوب این يك مسئله ایست که بنده چندین در آن وارد نمیشوم، بنده

تصور میکنم اگر بنا باشد عهدنامه ها و اتحادها را در تحت يك تقسیمات و طبقات معینی در آوریم (که این هم بنظر بنده ضرورتی ندارد) و يك اسمی روی آن بگذاریم بنده اسم این را اتحاد تدافعی میگذارم زیرا ما قرار نگذاشته ایم بموجب این قرارداد که بهیچ دولتی دیگر تعرض نکنیم. میفرمایند که استقلال ایران که در فصل اول این عهدنامه ذکر شده است و دولتمن متعهد شده اند آنرا رعایت کنند محتاج به پیمان نیست بعقیده بنده این يك عقیده ای است مخصوص ایشان گمان نمیکنم هیچ دولتی اعم از ضعیف یا قوی باشد که مستغنی باشد از اینکه باو بگویند که ما استقلال شما را رعایت میکنیم. استقلال يك مملکت، يك دولت چیزی است که همه وقت ممکن است در معرض تجاوز و تعرض واقع بشود بنا بر این اگر دولتی به دولت دیگر بگوید من استقلال شما را رعایت خواهم کرد این خطائی نکرده است تقصیری نیست از او باید ممنون بود و نباید باو تعرض کرد.

میفرمایند ما سابقاً با دولت شوروی عهدنامه بسته ایم و در آنجا تعهد کرده اند که استقلال ما را رعایت کنند چرا اینجایم همین مسئله آمده و دیگر شده است بنده منکر نیستم خوب در این عهدنامه اگر خلاف این را دولت شوروی میگفت آنوقت میتوانستیم بگوئیم که چرا این حرف را میگوید ولیکن چه ضرر دارد يك دولتی که سابق بر این تعهد کرده است که استقلال دولت دیگری را رعایت کند این را تکرار هم بکند. میفرمایند چرا تکرار میکند، چه لزومی دارد تکرار آن عرض میکنم برای این است که اموری در دنیا پیش آمده است که ممکن است این مسئله را محل شبهه قرار دهد که آیا فلان دولت استقلال ما را رعایت خواهد کرد و محترم خواهد شمرد یا نه پس وقتی که همچو امری پیش آمد دوباره این دولت میگوید که بدانید من از آن عهدی که کرده ام و از آن قولی که داده ام تخلف نمیخواهم بکنم حالا هم شما میگویم که اموری را نمی بینید که از آن امور ممکن است بر شما چنین معلوم شده باشد که شاید من آن تعهدی را که

سابقاً کرده ام نمیخواهم بآن وفا کنم حالا بشما قول و اطمینان میدهم که همان تعهدی را که پیش کرده ام حالا هم دارم و خواهم کرد پس بنا بر این موجب نمیشود که بر این حرف اعتراض نکنیم و بگوئیم با وجود اینکه سابق تعهد کرده حالا نباید بکنند و چنانکه عرض کردم اگر حالا خلافت را میگفت جای تعرض بود حالا که همان را میگویند و تأیید میکنند جای تعرض نیست بنا بر این عرض کنم که نمیشود بدولت شوروی که میفرمایند همین تعهد را سابق بر این کرده اعتراض کرد که شما يك دفعه دیگر این تعهد را کرده اید دیگر چرا باز هم تکرار میکنید بله بنده خوشوقت هستم از اینکه آقای نوبخت از عهدنامه دولت ایران با دولت شوروی یاد و اظهار خوشوقتی کردند (نوبخت - راجع به پیمانهای پیش) بله بله بنده این را تصدیق دارم و توجه میدهم همین معنی را که خوشبختانه دولت ایران بحمد الله از يك بد همسایگی آسوده شده است زیرا که مامدت میدی يك همسایه جابری داشتیم که از او زحمت میدیدیم و آن دولت روسیه تزاری بود لازم نبود بنده توضیح بدهم همه کس و آلهائی که سنشان اقتضا میکند که دیده باشند بخاطر دارند اگر هم ندیده اند در تاریخ خوانده اند و دیده اند که چه زحمانی بر ما وارد میآمد بطوریکه بنده اینجا حالا که گذشته است و اوضاع تغییر کرده است میتوانم عرض کنم که وقتی خود بنده که متأسفانه ستم چنان است که تا يك اندازه آن اوقات را هم دیده ام که بواسطه آن دولت تزاری از بقاء و استقلال ایران مأیوس بودیم خداوند تفضل کرد و ترتیبی پیش آمد که آن رأس مبدل بامید بلکه اطمینان شد. بنا بر اینکه کاری ندارم به مسئله سیاست داخلی دولت شوروی که مربوط به ما نیست ولیکن باید تصدیق کنیم که در امور خارجی سیاستی داشته است که برای ما مفید بوده است این را برای این عرض کنم که بنده اینطور حل میکنم که قدری در اذهان نگرانی حاصل میشود هر وقت که گفتگوی این پیش میآید که دولت ایران باین دولت دیگر قرارداد میبندد چرا اینطور است؟ چرا هر وقت که صحبت این میشود که دولت ایران با يك دولت دیگری قرارداد ببندد نگرانی حاصل میشود؟ علل بسیار

دارد و بنده نمیخواهم طول کلام بدهم علل تاریخی دارد يك علتش این است که در ادوار گذشته روابط بین دول و ملل اساساً خصوصیت بود و هر ملت ملتهای دیگر را با خودش خصم و دشمن میدانست و خودش هم با آنها شاید همین حال را داشت پس بنا بر این روابط بین الملل در قدیم مبنی بر عداوت بود و بر محبت پس این امر در اذهان مردم فکری گذاشته و راسخ کرده است که همیشه خارجی و اجنبی را دشمن بدانند و انسان وقتی کسی را دشمن خود دانست البته در ارتباط با او راه احتیاطی بیماید این یکی از آن علل. حالا در خصوص مملکت خودمان چرا این اندازه وحشت هست از اینکه دولت ما داخل مذاکره و انعقاد قرارداد با دول دیگر بشود این بنا بر وقایعی است که واقع شده است متأسفانه در گذشته مخصوصاً در گذشته از يك یعنی در این صد، صد و پنجاه سال آخر ما در مواجهه بعضی از دول متحمل صدمات و اطاعت شده ایم و خسارات از جنگ و مغلوبیت دیده ایم و در نتیجه آنها عهدنامه هایی منعقد شده است که آن عهدنامه ها در نظر مردم ایران نمیتوانست مورد محبت واقع شود مثل عهدنامه کیستان مثل عهدنامه ترکمان چای و بعضی عهدنامه های دیگر که بعد منعقد شده است ولیکن همین عهدنامه که مابین دولت ایران و دولت شوروی در بیست سال قبل منعقد شد و آقای نوبخت بآن اشاره کردند همین باید يك اندازه ما را متوجه کرده باشد که بطور کلی و اصولاً عهدنامه بستن با دولت خارجی لازم نیست چیز بدی باشد و ممکن هم هست که يك عهدنامه ای ببندند که خوب باشد ولی بنده اینطور حس میکنم که ما هر وقت گفتگوی بستن عهدنامه میکنیم فوراً متوجه بدی آن میشویم. یکی از مطالب آقای نوبخت هم این بود که چطور شده است و چه دلیل دارد دولتمن شوروی و انگلستان تعهد رعایت استقلال دولت ایران را میکنند اما دولت ایران تعهد رعایت استقلال آنها را نمیکند گمان نمیکنم این سؤال جواب خیلی طولانی لازم داشته باشد برای اینکه رود بایستی که نداریم ما اگر هم تعهد رعایت استقلال آنها را نکنیم بر آنها چیزی مزید نمیشود و مشکل بنظر می آید که ما واقع شویم در

مقامی و در حالتی واقع شویم که بتوانیم به استقلال آنها خلل وارد بیاوریم یا بآن منفعت برسانیم ولی عکسش متصور است. مذاکراتی فرمودند در باب بیطرفی و آنچه که بنده در آن باب گفته‌ام حقیقتش این است که در این چند سال آخر بنده می‌بینم الفاظ و اصطلاحاتی که سابق بر این استعمال میشد و معانی خاصی از او مفهوم میشد کم کم طوری شده است که آن معانی خیال از آنها مفهوم نمیشود و ابهام و اجمال پیش آمده است که گاهی اوقات انسان را سرگردان میکند. منجمله از آنها همین لفظ بیطرفی است بنده امروز با نظری که در قواعد بین الملل داشته‌ام (اطلاعات خودم را میگویم که شاید ناقص باشد) و با این قضایائی که در این دوسه ساله اخیر واقع شده است اگر در مقام معلمی و شاگردی کسی به‌طور شاگردی از من سؤال کند که بیطرفی یعنی چه من نمیتوانم جوابش را بدهم بدلیل اینکه همانطور که آقای ابوبخت از قول بنده فرمودند بنده بیطرفی‌هایی دیدم که خیلی مختلف است دولت سوئد را بیطرف میگویند من هم بیطرف میدانم اما در عین حال آن دولت اجازه داد که قوا و مهمات آلمان از خاکش عبور بکنند و بیک مملکت دیگر برود. بیست سال پیش از این سی سال پیش از این دولتی اگر اینکار را میکرد از بیطرفی خارج شده بود بلکه شاید همین مسئله سبب این میشد که طرفی که بر ضررش واقع شده بود با آن دولت جنگ کند. اما در این دوره واقع شد و اگر هم اعتراض و ایرادی بدولت سوئد کردند ولی ترتیب اثری بآن ندادند و هیچکس دولت سوئد را جزء متخاصمین ندانست الا آن هم بهمان حال باقی است. یک قسم بیطرفی دیگر بیطرفی دولت ترکیه است عرض کردم از روز اولی که مابین دولت آلمان از طرفی و انگلیس و فرانسه و رفقایش از طرف دیگر جنگ واقع شد در همان حین دولت ترکیه با دولت انگلیس و رفقای او متحد بود عهدنامه اتحاد بست برخلاف آنچه که آقای ابوبخت عقیده دارند که اگر دولتی با دولتهای دیگر عهدنامه‌هایی داشته باشد دیگر نمیتواند با دول دیگر عهدنامه اتحاد ببندد. شاهد بنده همین دولت ترکیه است همین دولت ترکیه که الا آن

با دولت انگلیس متحد است بموجب عهدنامه با دول دیگر هم روابطش را دارد و عهدنامه دارد و این عهدنامه که با دولت انگلیس دارد منافاتی با آن عهدنامه‌های دیگری که با دول دیگر بسته است نیست بنابر این دولت ترکیه با دولت انگلیس متحد است و بیطرف هم هست.

مثال‌های زیاد دیگر لازم نیست بزام خلاصه خیلی مشکل است که حالا آدم بداند بیطرفی یعنی چه چون حالا لفظ بیطرفی از آن لفظ‌هایی شده است که معنی آن کاملاً معلوم نیست و میتوان گفت دولت ایران هم با وجود این عهدنامه مادام که با دولت دیگر اقدام بجنگ نکرده است باز هم بیطرف است. از این بالاتر این است که دولت چین چهار سال و نیم است که با دولت ژاپن مشغول جنگ است دیگر جنگ از این بالاتر هم که نمیشود هر قسم عملیات خصمانه‌ای که شما تصور بکنید دولت ژاپن نسبت بدولت چین و همچنین دولت چین نسبت بدولت ژاپن کرده است، قتل است، بمب انداختن است، خاک متصرف شدن است، هر گونه عمل خصمانه کاملاً واقع شده معذک دولت چین رسماً با دولت ژاپن در جنگ نبود تا چند روز پیش، همین چند روز پیش بر حسب مقتضیاتی اعلان جنگ داد. حالا بنده آیا حق ندارم عرض کنم که این الفاظ که سابق بر این میگفتیم حالا معانی آن معلوم نیست الا آن معنی جنگ چیست؟ یک ماه پیش از این دولت ژاپن با دولت چین در جنگ نبود از آن طرف هر چینی ژاپنی را میدید میکشت و هر ژاپنی چینی را میدید میکشت و هر جارا میتوانست تصرف میکرد با این حال معنی جنگ چیست؟ پس تصدیق میفرمایند که الفاظ اینقدرها در معنایش مصرح و مسلم نیست.

ضمناً در بیان ایشان که بنده یادداشت کرده‌ام مثل این بود که چنین دانسته‌اند دولت ایران بموجب این عهدنامه خودش را مکلف به بیطرف بودن و به عدم دفاع کرده است اینطور نیست، دولت ایران بموجب این عهدنامه این حالت را دارد که آن دولی که با او اتحاد بسته‌اند او را نمیتوانند مکلف بکنند که جنگ بکند، نه اینکه دولت ایران خودش را مکلف کرده

و دست خودش را بسته است، شما هر ساعتی که مقتضی دانستید داخل در جنگ با هر دولتی دیگر بشوید میتوانید البته غیر از دولت روس و انگلیس بموجب این عهدنامه که متعهد شده‌اید مگر اینکه این عهدنامه را بشکنید پس از اینکه این عهدنامه را بستید تا وقتی که آنرا معتبر بدانید با دولت روس و انگلیس جنگ نمیتوانید ولی وقتی که آن را شکستید با روس و انگلیس هم میتوانید جنگ کنید اکثر یقین دارم که نخواهید کرد فقط بموجب این عهدنامه دولت ایران را کسی نمیتواند مکلف بکند یا بشکند با دولت دیگری جنگ بکند و لیکن خودش اگر خواست البته میتواند. الا آن آزادی دولت ایران را هیچکس از او نگرفته است. این عهدنامه اگر بسته شود آزادی از او گرفته نشده است که با هر دولتی که بخواهد اگر مصاحبت بداند جنگ میکند، البته بنده میدانم و آقایان هم تصدیق میفرمایند که دولت و ملت ایران همیشه صالح طلب بوده و هیچ دلیل هم ندارد که با هیچ دولتی داخل جنگ بشود گفتگو گفتگوی اصولی است یعنی اختیار از دولت ایران سلب نشده است که اگر بخواهد با دول دیگر جنگ بکند میفرمایند ایران در معرض تجاوز نیست که کسی بگوید اگر بشما تعرض و تجاوزی کردند ما دفاع میکنیم: بنده دلم میخواهد انشاء الله اینطور باشد ولی قضایائی که در دنیا پیش آمده است و پیش آمده‌هایی که شده است و موقع جغرافیائی ما چنان است که بنظر بنده همچو اطمینانی بماند میدهد. چطور میتوان مطمئن شد که هیچ دولت دیگری قصد تجاوز و تعرض بدولت ایران هیچوقت نخواهد کرد یا نمیتواند بکند. بنظر بنده مطلب بقدری واضح و ظاهر است که احتیاج ندارد بنده توضیح بدهم میفرمایند این عهدنامه را ما وقتی منعقد کردیم جلب دشمنی بعضی از دول دیگر را حسبت بماند میکند مثل این است که مطمئن هستند که اگر این عهدنامه نباشد دولتهای دیگر و قتی که مصاحبت خودشان را دانستند و خودشان را محتاج دیدند به ما تعرض و اعمال خصومتی میکنند بنده این اطمینان را ندارم نظایرش را ده مرتبه بیست مرتبه شاید در ظرف این دو سال دو سال و نیم گذشته ندیده‌ایم. لازم است که اسم ببرم و

بگویم. مثلاً دولت دانمارک آیا بیطرف بود یا نبود. آیا مستقل بود یا نه آیا کاری کرده بود که موجب این بشود که او را قبضه کنند بنده نمیخواهم اینجا وارد تنقید و انتقاد بشوم نسبت به عملیات دولتهای دیگر شاید دولت آلمان هم حق داشته است و عذر داشته است بنده آن را کاری ندارم ولی آنچه که بنده میدانم این است که دولت دانمارک دولتی بود که قوه نداشت با دولت آلمان جناب بکنند تمام دول دنیا استقلال او را شناخته بودند قبول کرده بودند عهدنامه هم با همه دول دنیا داشت و کاری هم نکرده بود که مورد اعتراض آلمان بشود معذک دولت آلمان او را قبضه کرد چرا؟ برای اینکه اگر از آلمان بفرساید خواهد گفت مصاحبت من این بود یا خواهد گفت میترسیدم یا مطلع بودم که دشمن من میخواهد با ایجاد دست بیندازد و چون دشمن من میخواهد دست بیندازد من ناگزیر بودم و همین عمل نسبت بدولت او و واقع شد نسبت بدولت بلژیک واقع شد نسبت به یوگوسلاوی واقع شد نسبت به همه شد عرض کردم بنده کار ندارم به اینکه خوب کردند یا بد کردند شاید خوب کرده باشند ولی مقصودم توضیح این معانی است که ما اینجا نشستیم در یک گوشه از دنیا نمیتوانیم مطمئن باشیم یا اینکه هیچکس هیچوقت بماند تعرض نخواهد کرد و اینها هم از نظر دشمنی نیست بنده نمیگویم دولت آلمان با دولت دانمارک دشمنی داشت حالا هم میدوید من با شما دوست هستم اما محتاجم باینکه از ناحیه شما مطمئن باشم و اگر این پیش آمد شد خدای نکرده و امیدوارم پیش نیاید آن وقت بودن این عهدنامه و نبودنش هیچ فرقی نمی‌کند اگر نباشد که دولتی مصاحبت و اقتضای حال خودش را دانست که به دولت ایران و بخاک ایران تعرض کند برای مصاحبت خودش میکند میخواهد شما متحد باشید میخواهد نباشید یکی از بیانات آقای ابوبخت که یک قدری بنده را متعجب کرد این بود که ظاهراً اعتراض میکردند بدولت شوروی که چرا این عهدنامه را می‌بندد در صورتیکه عهد کرده است که با دول دیگر بر ضد ایران متحد شود خوب این عهدنامه که الان می‌بندد مگر با آن عهدی که آن وقت کرده است مخالفت دارد؟

آنها را تأیید می کند دولت شوروی به موجب یک عهدنامه با دولت ایران تعهد کرده است که با دولت دیگری بر ضد دولت ایران داخل معاهده نشود اینطور میفرمائید دیگر؟ ولی تعهد نکرده است که با دولت ایران متحد نشود بر ضد دولت دیگر. استدلال غربی است مگر اینکه باز هم بنده ملتفت نشده باشم. باز بیانی کردند مثل اینکه استناد کردند بقول علمای سیاسی اولاً اینرا در جزو بیست و نهم عرض کنیم که استناد باقوال علمای سیاسی همه قسب میشود کرد، شما اگر وارد اقوال آن علما و کتابهای آنها شده اید خودتان دیده اید که در یک موضوع هزار قسم بحث کرده اند، مثل اختلاف شده است که فلان اصل آیا معنایش چیست چنین است یا چنان است پس این اصول چیزهای مسلمی نیست قواعد موضوعه که با کمال صراحت دولت ها و مجالس ملی وضع میکنند باوجود این در معانی آنها دائماً اختلاف نظر پیدا میشود بلکه هر مرافعه که بداد گاهها و محاکم عدلیه میرود نتیجه اختلاف نظری است که در تفسیر یک قانون پیش می آید یکی میگوید معنای این قانون و تفسیرش این است که من میگویم و بموجب این قانون حق با من است طرف مقابل میگوید بموجب این قانون حق با من است. اگر مطالب واضح بود و محل اختلاف نبود که بایستی اختلافی تولید شود و با یکدیگر دعوی کنیم. اینها در قوانین موضوعه ایست که خیلی هم محکم است تا چه رسد بقوانین و قواعد بین المللی که این است حکام را هم ندارد زیرا مبانی قوانین بین المللی یکی معاهدات است یکی آداب و رسوم است مخصوصاً در آن قسمتی که راجع به آداب و رسوم است بطور قطع و یقین نمیتوان گفت فلان اصل اینطور است یا اینطور نیست.

این جمله معترضه بود که معلوم شود این استنادهایی که بقول علمای سیاسی میفرمائید قاطع و مسلم نیست فرمودید اگر دولتی با دولت دیگر قطع روابط بکند استقلال خودش را از دست داده است و همچنین فرمودید اگر دولتی با دول دیگر قطع روابط بکند مثل این است که خودش را کشته خیلی خوب بطور کلی و بطور عادی درست است و بنده هم تصدیق دارم که اگر یک دولت پیدا بشود که بگوید من با

هیچ دولتی نمیخواهم رابطه داشته باشم و میخواهم قطع کنم رابطه خودم را با همه دول البته این دولت مثل این است که خودش را کشته باشد زیرا اگر در قدیم الایام ممکن بود بدون رابطه با ملل دیگر زندگی کنند امروز که زندگی گاهی زندگی بین المللی است ممکن نیست و هر دولتی محتاج است باینکه با دول و ملل دیگر زندگی بکند و اگر بکند و قطع بکند زندگی و حیات خود را خفه کرده است اما این در حال عادی است ولی در وقتی که دول با هم در جنگ هستند این حکم صادق نیست حالا از ایران بگذریم تمام این دولی که با هم در جنگ هستند در رابطه شان با بسیاری از دول دیگر مقطوع است مثلاً دولت آلمان با دولت انگلیس و با دولت روس رابطه ندارد با امریکا رابطه ندارد با همه این دولتهایی که در تحت تسلط او واقع شده اند جز مسئله سلطه و قهر و غلبه رابطه ای ندارد با خیلی از دولتهای دنیا رابطه ندارد پس در اینصورت آیا آلتان خودش را کشته است و با استقلال خودش قطع رابطه دارد آورده است؟! البته دائماً اینطور نخواهد بود این از برای مدت جنگ است وقتی که جنگ تمام شد عهدنامه صلح بسته شد دوباره روابط برقرار میشود دوباره زندگی بین المللی را از سر میگیرند، دولت ایران هم این عهدنامه را که می بندد موقت است دائمی که نیست. موعدهش را که میدانید کی سر می آید بموجب این عهدنامه دولت ایران با بعضی از دول ارتباط دارد و ارتباط تام دارد و خواهد داشت و با بعضی از دول رابطه اش مقطوع میشود وقتی که جنگ تمام شد این عهدنامه از بین رفت دوباره آن روابط برقرار میشود.

این مقدار از بیانات آقای تو بخت را بنده توانستم در خاطر بگیرم و بموجب این یادداشت هایی که کرده ام جواب دادم و چون خیلی مذاکرات طولانی شد باز رشته سخن را بدست آقایان میدهم.

رئیس - آقای امیر تیمور.

امیر تیمور - بشهادت همه آقایان در ادوار مختلفی که این بنده افتخار نمایندگی را داشته و در مجلس بخدمت

مشغول و بهترین دوره عمر و جوانی را صرف خدمت مجلس کرده ام ظاهر سازی و فریبندگی و خود بستگی سرمایه بنده نبوده و عبارت صریح تر عوام فریبی را دوست نداشته و شیوه تظاهر نداشته ام اکنون هم که به پیروی از فرموده شیخ سعدی علیه الرحمه: دو چیز تیره عقل است دم فرو بستن بوقت گفتن و گفتن بوقت خاموشی. شدت ضرورت را احساس و بحکم وجدان و وظیفه ناچارم که در اطراف پیمان وارد بحث شوم و علاوه من از خاندانی هستم که اجداد من یکی بعد از دیگری در راه خدمت بکشور جان داده و نمیتوانم در چنین موقعی ساکت باشم. خدا را بشهادت منی طلبم که در این دقیقه جز ایران و ایرانی هیچ چیز نمی بینم و نمیخواهم بدون جهت بر دولت یا اشخاص و شخص آقای فروغی خورده گیری کنم. من از سدمات و مشکلاتی که بر اثر آشفتگی اوضاع جهان برای کشور پیش آمده و زمانی که متوجه دولت شده بخوبی مطلع و میدانم که دولت فعلی با هر دولت دیگری که فرضاً زمامدار باشد تا چه اندازه باید با موانع و مشکلات فوق العاده داخلی و خارجی مبارزه و حصول موفقیت کامل هم باز مربوط بصلح و آرامش و تسکین اوضاع عمومی عالم است. بطوریکه گفته ام چون عوام فریبی سرمایه بنده نیست پس بیم ندارم از اینکه با الهایت صراحت و شهادت عقیده خود را بگویم. از نظر خواص موقعیت جغرافیائی این کشور و از نظر اینکه دو دولت بزرگ و مقتدر و قوی پنجه دنیا یعنی روس و انگلیس در شمال و جنوب در همسایگی مآ قرار گرفته بحکم وجوب هر عقل سالمی باید تصدیق کند که مناسبات ما با این دو دولت و با این دو همسایه باید دوستانه و دادا انگیز و از روی کمال راستی و صداقت و بر روی اصل احترام متقابل استوار و حسن مناسبات همجواری و صداقت کامل فیما بین محفوظ بماند و آنچه بنده اطلاع دارم از روز بکه مناسبات حیلماسی بمفهوم و معنای عصر حاضر بین دول برقرار گردید و ما هم بادولتین روس و انگلیس دارای مناسبات دیپلماسی شده ایم تا با امروز هم رویه دولت ایران نه تنها با آنها بلکه با کلیه دول همسایه حتی افغانستان و ترکیه و عراق دوستی

کامل بوده و برخلاف دوستی رفتاری نداشته ایم و همیشه در صیانت و حفظ حقوق مشروع هر یک صمیمانه کوشیده و اگر گاهی هم اختلافات ارضی و مرزی با همسایگان خود عراق و ترکیه و افغانستان پیدا کرده ایم سعی کرده ایم که اختلافات مزبور را دوستانه و از طریق صلح و مسالمت ولو آنکه بضرر ما هم باشد تمام کنیم برای چه اینکار را کرده ایم برای آنکه شعار باستانی ملت ایران که صلح خواهی و انسان دوستی است از دست ندهیم و برای حفظ این منظور یعنی صلح خواهی و مسالمت جوئی تا بحال دولت ایران در تاریخ سیاسی خودش در بند و بست های سیاسی با هیچ دولت بر ضد دولت دیگری سازشی نداشته برعکس همیشه در هر یک از ممالک روی زمین و کنفرانس های بین المللی که مجامعی برای ترقی و تکامل بشریت و خدمت بفرهنگ و دانش عالم تشکیل یافته است صمیمانه شرکت و بهترین رجسالت خود را برای نمایندگی در این قبیل مجامع فرستاده از بذل مال و مخارج فوق العاده مضایقه داشته و از همکاری صادقانه دست برداشته است و بهترین نمونه و مثال عضویت ایران در مجمع بین المللی است که از روز ایجاد این مؤسسه دولت ایران صمیمانه و با ایمان کامل برای دوام و قوام این مؤسسه که دولتین روس و انگلیس هم در رأس این مجمع قرار داشته و از شعار این مؤسسه چهارده ماده پیشنهادی صلح و یلسن و ماده چهارده است که میگوید ایجاد یک جامعه عمومی ملل که مأموریت آن تهیه تصمیمات متقابل برای آزادی و استقلال ارضی و سیاسی کلیه دولتهای کوچک و بزرگ باشد بذل جهد نمود و تا با امروز هم که دول عالم یکی بعد از دیگری مؤسسه مزبور را ترك کردند هنوز دولت ایران عضویت خود را از دست نداده است پس این معتقدات سیاست خارجی ما را تشکیل داده است و روی این اصول رفتار کرده ایم و با کلیه دول دیگری که با آنها جز روابط عادی و اقتصادی روابط دیگری نداشته ایم سعی کرده ایم که جنبه صداقت و شرافت خود را حفظ کنیم و از طرفی در جنگ بین المللی گذشته و در جنگ کنونی عالم برای اینکه مناسبات حسنه ما با دول خارجه در روابط دوستانه ما

بادولتین روس و انگلیس خللی وارد نشود و در خط مشی سیاسی ما کوچکترین ابهام و سوء تفاهمی باقی نماند و بآن واسطه خودمان هم از آتش سوزان و صدقات و اعلانات جنگی که بر کنار بمالیم و بهتر بتوانیم صلح عالم و فرهنگ عمومی دنیا خدمت کنیم بیطرفی را پیشه ساختیم و با تمام وسائل و قوای خود دقیقاً این سیاست را پیروی و بموقع اجرا گذاشته و بهترین مساعی خود را در صیانت حقوق مشروع دولی که بامار وابط داشتند مخصوصاً دولت انگلیس و روس بکار بردیم که در تمام مدت جنگ و برای همیشه هیچ وقت خطری از ایران هیچیک از آنها متوجه نشود و مخصوصاً برای ابراز اثبات کمال حسن نیت و مراتب و دادخود نسبت بدولتین روس و انگلیس در تمام سرحداتی که در شمال و جنوب و شرق و غرب با آنها هم مرز هستیم يك نفر برپادگان خودمان علاوه بر عده زمان صلح ایفرو داریم و کلیه شهرها و مرز و سرحدات خود را باز و بحال بی دفاعی باقی گذاشتیم تا در مدتی که آنها متأسفانه گرفتار جنگند از طرف ما تشویش و نگرانی پیدا نکنند و حتی برای حفظ بی طرفی کامل و احترام از هر گونه سوء تفاهمی اکیداً قنغن کردیم که رادیوی ایران اخبار جنگی و جز قمع و شکست هیچیک از دول داخل در جنگ را نگوید و برای اتباع بیگانه هم در ایران مقررات سختی و مراقبت شدیدی داشتیم که آنها هم نتوانند برخلاف رویه بی طرفی ما در تحت تأثیر احساسات خودشان اظهار بیگانه بکنند و یقین داشتیم که دولتین روس و انگلیس هم برای همیشه خاصه برای مدت جنگ رفتار بی طرفانه و خط مشی سیاسی ما را تقدیر و بیدش از پیدش در رعایت و جانبداری دوستی ما کوشش بکنند متأسفانه برخلاف انتظار و برخلاف دوستی بدون مقدمه و بدون هیچ دلیل و مجوزی قوای دولتین وجود چند نفر کارگر آلمانی و ایتالیایی را که در کارخانهجات ایران از جنبه فنی خدمت داشتند بهانه قرار داده بیطرفی ایران را نقض و به مملکت تجاوز و در حالی که هیچ قشون متخاصمی در داخل مرزهای ایران و در مقابل آنها وجود نداشت شهرهای باز و بی دفاع و بمباران و هر يك بوسیله قوای خود قسمتی از خاک ما را برای اجرای منویات خود اشغال نمودند که قضاوت این حمله و این تجاوز که برخلاف توقع و اصل

دوستی است بهتر است بتاریخ و اگذار شود و اطمینان دارم که روزی خواهد رسید که ملت انگلستان هم یکی از خطلهای سیاسی دولت خودش را تجاوز بخاک دولت دوست خودش ایران تشخیص دهد و البته برای هیچ ارتشی حمله بشهرهای باز و بی دفاع کشور دیگری خوش آیند نیست . در صورتیکه وجود چند تن آلمانی که وجود آنها در ایران منشاء هیچگونه اهمیت و اثری نبود ارزش این را نداشت که بایران کشوری که هزاران سال است استقلال خود را با شایستگی و شرافتمندی حفظ نموده تجاوز و از اسارت آلمانی بایرانی اهاات و بیطرفی اوقعش شود مگر برای دولتین روس و انگلیس مقصور نبود که مقاصد خود را دوستانه در ایران انجام دهند ؟ که برای ما این همه آشفتگی و پریشانی و سختی و اغتشاش و گرانای و قحطی ایجاد نشود و اطمینان باستقلال و تمامیت و شرافت باستانی این کشور وارد نشود ؟ ما کی و کجا گفته بودیم که باید چند تن آلمانی علی رغم آنها در ایران بمانند .

وزیر فرهنگ (آقای ندین) - بنده اخطار نظامنامه دارم . این فرمایشات ایشان از موضوع خارج است . این مسائل در مراسلات ذکر شده و مجلس هم نظر خود شرامعین کرده است . حالا بنده اخطار میکنم

امیر تیمور - شما حق اخطار ندارید و کیل حق دارد اخطار کند شما وزیر هستید

وزیر فرهنگ - بنده عضو دولت هستم حق دارم . آقای رئیس باید مواظب باشند . عجب رئیس دارد مجلس . . .

امیر تیمور - آقا مقامات و بردباری را اگر يك قدری رعایت بفرمائید بهتر است . بنده خارج از موضوع صحبت نمیکنم و خلاف مصلحت حرفی نمیزنم آقای ندین بنده شاگرد مکتبی نیستم بنده چندین دوره است در مجلس خدمت می کنم و نماینده هستم .

اقبال - عده کافی نیست

امیر تیمور - چشم صبر میکنم تا عده کافی شود (در این موقع عده کافی شد)

جمعی از نمایندگان - بفرمائید آقا

امیر تیمور - ما کی و کجا گفته بودیم که باید چند تن آلمانی علی رغم آنها در ایران بمانند تا به بهانه آنها خود ما مورد متجاوز واقع بشویم ؟ باز هم با این تجاوز و با همه این مقدمات و در این لحظه از نظر اینکه تصمیم داشتیم مناسبات همجواری و دوستی دیرینه را از دست ندهیم و صلح طلبی و مسالمت جوئی خود مان را بعالمیان اثبات کنیم با مر شما آقای فروغی قوای نظامی ما ترك مقاومت نمود و بعد هم مقاصد و نظریات دولتین انگلیس و روس کلیه انجام و استفاداتی که لازم داشتند نمود و تقاضای آنها که در مراسلات متبادله با دولت تشریح شده بالتعمام از طرف دولت قبول شد مجلس هم باتوجه بمصالح عالییه کشور سکوت اختیار و از مبادله آن مراسلات بر دولت ایراد نگرفت و از آن زمان تا بحال هم که از طرف دولت مساعی لازمه برای ابراز حسن تفاهم و صداقت کامل نسبت بآن ها مبذول شده است و راه هر گونه بهانه و نگرانی را لمسود کرده است

طبق این نامه ها دولتین انگلستان و شوروی صریحاً استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران را تأیید و تصدیق نموده و تعهد کرده اند کیه هیچیک از آن ها هیچ نقشه بر علیه استقلال یا تمامیت ارضی ایران ندارند و نیز تعهد کرده اند که وسائل تسهیل لوازم مورد احتیاج اقتصادی ایران را فراهم و در انجام امور اقتصادی با ما کمک و مساعدت بکنند باز خود آن ها مصرأ درخواست و در مراسلات خودشان تذکر داده اند که دولت ایران باید بیطرفی خودش را ادامه و محفوظ بدارد و تعهد کرده اند همین که وضعیت جنگی اجازه دهد قوای خودشان را از خاک ایران خارج کنند و در مقابل استفاداتی که لازم داشتند نموده و آنچه از ما طبق این نامه ها می بایست بگیرند گرفته اند پس بطور کلی از نظر مقاصد آن ها نه مطلب نا تمامی باقی و نه در مناسبات جدید و رفتار ما نکته بحال ابهام بر جای مانده است که نگران شوند و عقد قرارداد و پیمان اتحادی ایجاد کنند و اما قرارداد : من قبل از آنکه این قرارداد را به بینم و شنیدم که دولتی مذاکره پیمان

اتحادی را با ما بمیان آورده اند پیش خودم تصور میکردم که میخواهند تجاوز و اطمینان که بایران وارد شده بدین وسیله تلافی و خسارات وارده بر ما را جبران و تعهد کنند اگر بواسطه وجود آن ها در ایران دولت ایران اوفرض مورد حمله و تجاوز آلمان یا دولت دیگری واقع و در کشمکش و محاصره که دولتین در جنگ بایکدیگر دارند شهرها ، دهات ، مزارع ، عمارات ، بناها ، راهها ، پل ها و مؤسسات ، ساختمانهای این مملکت بر اثر این جنگ و این کشمکش چه از طریق هوا چه از طریق زمین ویران و خراب و آسیب دید و یا افراد ایرانی در نتیجه بمباران ها و مصائب جنگ کشته و از بین رفتند و یا خاک ایران اشغال شد و یا اگر بواسطه اقدامات آن ها روابط تجارتهای مبادول دیگر معطو و قوه اقتصادی ما از بین رفت و مردم دچار گرانای و سختی و قحطی و پریشانی شدند آن ها تعهد میکنند که جبران کنند و به استقلال کامل ما احترام گذارند و قشون خودشان را از خاک ما خارج کنند و در هر کنفرانس صلحی که در دنیا تشکیل میشود بما هم که متحدان ها خواهیم بود متساویاً حق شرکت و مباحثه و اخذ تصمیم میدهند ؟ اگر این قرارداد که بنام پیمان اتحاد بمجلس تقدیم و امروز مورد بحث شده تمام اهالی این کشور را دچار بهت و حیرت ساخته و هر گونه امیدی را بیأس تبدیل کرده است ، طبیعی است در کلیه قراردادها اولین نکته که جلب توجه میکند این است که طرفین قرار داد چه چیزهایی را بدست میآورند و چه چیزهایی از دست میدهند تنها فصل این قرارداد موضوع استقلال سیاسی ایران است که به عقیده بنده همین نکته برای کشوری چون ایران که هزاران سال است با کمال شایستگی دارایی استقلال بوده و بالاستقلال زیسته و هن آورده است و بموجب قسمت ب از فصل سوم يك قسمت از حقوق حاکمیت خود را باید بدولتین روس و انگلیس تفویض کنیم و طبق قسمت دوم از فصل چهارم نسبت بساختنمان ها و تأسیساتی که این دو دولت برای اجرای نقشه های خودشان در ایران احداث خواهند نمود و هیچ برای ما فایده ندارد و محل احتیاج نیست خودمان را پایبند

يك شرایط و تضمیناتی می‌کنیم که بایستی به موجب قرار داد هائی که بعداً منعقد خواهد شد و هیچ نمایانم شرایط آن تاچه اندازه سنگین است تمهید می‌کنیم در صورتیکه نمایندگان مجلس این حق را نیارند. قرار داد بعدی را که هنوز شرایطش را ندیده و نفهمیده تصدیق کنند و نکته از همه مهم تر این است که در درجه اول دولت و مجلس ایران بوسیله این قرار داد عمل تجاوزی که بایران شده تصویب کرده است و چیزی که در مقابل از این پیمان بما میدهند دو چیز بیش نیست یکی آنکه دو دولت همجوار متعهد میشوند که شش ماه بعد از خاتمه جنگ قشون خود را از ایران خارج کنند و دیگر اینکه چنانچه از جانب دولت آلمان یا دولت دیگری بخاک ایران حمله شود این دو دولت از ما دفاع نمایند در صورتی که اگر آلمان بتواند بما تجاوز کند بواسطه وجود قوای دولتی در خاک ایران خواهد بود و اگر دولتی روس و انگلیس هم در مقام مدافعه از این تجاوز بر آیند در حقیقت و واقع مدافعه از منافع نظامی خودشان نموده اند نه مدافعه از تجاوز بایران و اگر ما بدانیم يك دولت بقصد تجاوز می‌خواهد بما حمله کند قوای ما توانائی در دفاع از کشور را میتواند نشان دهد و اگر در قضایای اخیر از طرف ما مبادرت بدفاع شد فقط برای احترام از خونریزی و حفظ صلح و سلم بود حاجت بقدر نیست که هر دولت دیگری هم که بجای ما می بود وقتی که بدون مقدمه و بدون خود آرائی از چندین نقطه مرزهای شمالی و چندین نقطه مرزهای جنوبی با قوای زیاد مورد تهاجم قرار گیرد قادر بمدافعه نیست و کمتر مملکتی در روی زمین وجود دارد که از دو طرف آن دو قوای مانند قوای روس و انگلیس بآن حمله ور شوند و او در دفاع شود و اگر این فصل بنا باشد تصویب شود باید بدین طریق اصلاح شود هر گاه تجاوز قوای آلمان بایران برای وجود قوای روس و انگلیس در ایران باشد پس دفاع از این تجاوز هم بعهده خود این دو دولت خواهد بود و اما بمناسبت منشور آتلانتیک که در این قرارداد از آن بحث و این قرارداد

متممی بآن شده است بد نیست که از روابط دیرینه ایران با آمریکا و اینکه از سالیان دراز روابط فیما بین تا با امروز در نهایت استحکام و دوستی برقرار مانده مختصری معروض شود ما نه تنها در تاریخ مناسبات خودمان با دولت آمریکا کوچکترین دلتنگی از آن دولت نداشته بلکه از جهات عدیده از دوستی و صمیمیت دولت و ملت آمریکا منافع بیشمار و بهره کمالی برده ایم و بگزارف سخنی نمیگویم که بهترین مستخدمین خارجی ما مستخدمین آمریکائی از قبیل شوستر میلسپو - ما کرماک و غیره بوده اند که از صداقت و لیاقت و امانت و درستی و کاردانی آنها دولت و ملت ایران کمال رضایت را داشته و آنها هم با نهایت صداقت بما خدمت کرده اند و از مدارسی که تا چندی پیش بتصدی آقایان آمریکائی در ایران داشتیم باز بهترین نتایج بما عاید شده و عده زیادی جوانان لایق و تحصیل کرده تربیت شده همین مدارسند که الآن هم مقامات مهمی را در ادارات ایران حائزند پس تاریخ روابط ما با آمریکائیها مشتمل بر فصول دوستی است که ما خواهانیم همیشه همینطور باقی بماند و امید است این شائبه که تجاوز بایران بلافاصله بعد از ملاقات آتلانتیک و نتیجه آن ملاقات و از اثرات آن منشور بوده است راست نباشد و تاریخ يك چنین قضائتی نکند و اینکه حضرت آقای فروغی معتقد خود تارا فرمودید که سیاست خارجی ما امروز مدارش جنگی است که در دنیا جریان دارد پس باید تصدیق بفرمائید که جنگ متغیر است و سروشت جنگ معلوم نیست هیچکس نمیتواند غالب کیست و مغلوب کدام است و خاتمه این جنگ بچه صورت بین طرفین خواهد بود. بعقیده بنده و با این مقدمه اگر ما از اصل بیطرفی تجاوز و سروشت خودمان را بسروشت جنگی یکی از متخاصمین مرتبط کنیم قمار کرده ایم که عاقبتش معلوم نیست و بحکم عقل و تجربه قمار برای کسی برد ندارد و همین دلیل بفتوای بزرگان عالم مذموم و حرام و مردود شده.

حضرت آقای فروغی اگر دولتی روس و انگلیس

میخواهند با ما اتحاد داشته باشند ، با ما قرارداد به بندند بشرحی که در مقدمه عرض کردم چون طرفدار حسن مناسبات همجواری و دوستی ایران با این دو دولت میباشیم ما با کمال میل و افتخار دوستی آنها و اتحاد آنها را استقبال میکنیم اما قراردادی که منافع ایران تأمین شود و با شرایط متساوی در زمینه احترام متقابل منعقد شود نه این قرارداد که بنظر بنده بمنفعت ما تمام نخواهد شد.

در خاتمه عراض بصفه بکنفر ایرانی و بنام نماینده پارلمانی ایران بتجاوزی که بخاک ایران و بیطرفی ایران اموده اند اعتراض میکنم.

رئیس - آقای اوحدی.

اوحدی - مقدمه بنده هم تاسی بکنم به آقای محترم خودم و عرض کنم بآن قرآنی که در روز اول انتخاب در این مجلس قسم یاد کرده ام قسم است که موافقت بنده با این قرارداد عین مصلحت ایران است (یکی از نمایندگان - سایرین هم قسم خورده اند) منافاتی ندارد هم بنده قسم بخورم در موافقت و هم رفیق بنده قسم بخورد در مخالفت و هر دو هم صحیح بگوئیم برای این که از سایر مذاهب صرف نظر میکنم فقط دین اسلام هفتاد و سه فرقه گوینده لا اله الا الله محمد رسول الله دارد که سیزده فرقه آنها شیعه هستند تمام اینها قسم میخورند و بیک عقایدی که البته درست میروند روی عقیده خودشان. او روی عقیده خودش درست میگوید درست تشخیص میدهد و بنده هم روی عقیده خودم اینطور تشخیص میدهم. چون مقدمه این قرارداد هشت ماده منشور آتلانتیک است که دومرد عجیب و اسیل دومرد سیاسی دنیا روتی او آتی ملل را معین کرده اند اگر در این قرارداد عنوانی از تمامیت خاک ایران و از استقلال سیاسی و سایر چیزهای دیگر اسمی برده نمیشد و ما بودیم و همان هشت ماده کافی بود برای نتیجه اش که حفظ میکرد هم تمامیت خاک و هم استقلال و همه چیز ایران را. ماده اول - کشور های انارونی و انگلستان بهیچوجه خواهان توسعه و ازدیاد اراضی خویش نیستند پس

این مطلب معین می کند که دولت انگلستان از خاک ایران چیزی نمی خواهد ماده دوم - با هر گونه تغییرات در حدود اراضی ممالک که مورد موافقت ملل ذی علاقه نباشد مخالفند ماده ۳ - دو کشور انارونی و انگلستان حقوق هر ملتی را برای انتخاب حکومتی که مطابق میلشان باشد محترم میدانند تا بتوانند آزادانه تحت اراده حکومتی که خود انتخاب نموده اند زندگی کنند و امید دارند مللی که جبراً فاقد این حقوق شده اند حقوق مزبور بآنها اعاده گردد و همچنین مواد دیگر که البته بنظر آقایان رسیده است و بنده حاجت ندارم بقبه مواد دیگر را بخوانم فقط عرض می دارم از ماده يك و دو و سه و چهار و پنج و شش منشور آتلانتیک تمامیت خاک و حدود و استقلال سیاسی و اقتصادی تمام ملل بزرگ و کوچک غالب و مغلوب که یکی از آن ملل کوچک هم ایران است تأمین شده است بدیهی است در صورتیکه متفقین فاتح و پیروز منند کردند تمام ملل کوچک و بزرگ غالب و مغلوب از آن مواد استفاده میکنند. نظرم در این موافقت بجهانی است که عرض میکنم یکی از آن جهات ایمان بنده بکابینه آقای فروغی است که تصور نمیکنم آقایان دیگر در این ایمان محتاج باشند که من يك قسم دیگر هم بالا ش بخورم و چند روز قبل همین آقایان محترم رأی اعتماد بدولت آقای فروغی دادند و این آقای فروغی که ایمان داشتن باو مسلم است پیش همه ما او این قرارداد را به مجلس آورده است او صلاح مملکت را بهتر از بکنفر مثل من تشخیص داده است برای اینکه این قبیل قضایا يك اطلاعاتی لازم دارد. اطلاعات سیاسی اطلاعات علمی اطلاعات وزارتخانه ای و وجود ایشان از وقتیکه بنده میشناسم ایشان را همیشه منشاء کارهای بزرگ بوده اند و همیشه داخل در این جریان بوده اند و بقدر کافی هم ممالک خارجه باخارجیه و بادیه لمانها طرف سؤال و جواب بوده اند با وزراء و رئیس الوزراء ها طرف سؤال و جواب بوده اند يك اطلاعات کافی و شافی دارند و صلاح کشور ایران را اینطور تشخیص داده اند باینست دولت و يك چنین قراردادی را آورده اند این اول جهت اینکه بنده با این پیمان موافقت دارم. دوم برای

این است که بدولت بریتانیا و دولت شوروی هر دو همسایه خود ثابت بکنیم که ایران نسبت بشما دو نفر یعنی دو همسایه صمیمی است و نظر دوستی و نظر یکجنگی دارد و اثبات این قضیه که در مملکت ما در کشور ما جامعه سیاسی بر علیه شما با افراد دیگری بر علیه شما وجود ندارد همین حاضر شدن از برای خاطر این قرارداد است بیایید نگاه کنید اگر يك سوء ظنی از برای شما پیدا شد که اگر در کشور ایران يك دستهای بر علیه شما در حال اقدام است ببینید هیچ دستی بر علیه شما نبود ما هم در کمال بیطرفی اعلان کرده بودیم که با هیچکس جنگی، نزاعی، دعوائی نداریم. صحبت در اطراف این قسمتها باید بعقیده من روی وضعیات فعلی برود نه روی زمان صالح و روی زمان عادی. يك سلسله بیانات و يك سلسله استدلالهای سیاسی منطقی و حکمتی اینها در جای خودش همه صحیح است ولی حالا بنده میخواهم در این حال حاضر بگویم بیطرفم در حال حاضر کشور من چه حالی دارد يك دسته قشون اینطرف این سرحد را گرفته يك دسته هم این طرف را گرفته است بنده باین حال میخواهم بگویم معنی اختیار را آقای نخست وزیر در آن مصاحبه ای که با مدیر اطلاعات کرده اند توضیح نموده اند حقیقه هیچکس نمیتواند در اطراف آن جواب يك کلمه حرف بزند خوب با این حال يك قسمت قشون همسایه روس آمده همانکه آن قرارداد کذائی را در فلان تاریخ بسته است همان آدم همانوقت بوزارت امور خارجه ما می نویسد دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت بریتانیای کبیر چنانکه در نامه مورخ ۲۵ اوت اشعار داشته اند هیچگونه مقاصدی که مخالف استقلال ایران و با تمامیت ارضی آن باشد ندارند. در خاك ایران محبوس شده اند بمملیات نظامی مبادرت ورزند قرارداد هم داشته اند همه قسم با ایران روابط داشته اند ولی می نویسند محبور شدیم و وضعیت ایجاب کرد که ما نتوانیم حفظ کنیم قراردادی را که با شما داشتیم بالاخر ما آمدیم بسمت شما آنوقت میگوید که دولت ایران الف - باید قوای خودش را از فلان قسمت خارج کند دولت ایران ب باید در ظرف يك هفته تمام کانیهای آلمانی فلان و فلان را رد بکند ج - دولت ایران باید تمهید نماید که آلمانیها را در

آینده بخاك ایران راه ندهد د - دولت ایران باید تمهید نماید هیچگونه مواعی برای حمل و نقل کالاهائی که از جمله مواد جنگی بمقصد اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر حمل میشود ایجاد ننماید و همچنین حمل کالاهای موادی را که در راههای شوسه و راه آهنهای ایران و بادر خطوط هوایی حمل میشوند تسریل نماید تمام را باید ایران بکند همینکه صاحب قرارداد است همینکه آن قرارداد کذائی را داد و آنطور هم استقلال ایران را شناخته است اینطور تحمیل میکند که ایران باید اینطور باشد خوب وضعیت جنگ بیشتر از همه شماها بر من روشن است حقیقه آقایان میدانند خصوصاً نمایندگانی که بازرگانی دارند و اهل بازار هستند این نکته را بهتر از بنده ملتفت میشوند پررنگ کبریت بوده است صندوقی شصت تومان امروز شده است هشتاد و پنج تومان تصور میکنم سه چهار روز دیگر صد و پنجاه تومان بشود (افشار - باین چیزها چه مربوط است) حالا میگویم چه طور مربوط است اگر يك قدری حوصله داشته باشید. قطع شد حمل و نقل آن جنسهای که از اروپا، از آمریکا از فلانجا برای کشور ایران می آمد حالا ایران است و يك همسایه انگلیس يك همسایه روس این را هم میخواهیم از دست بدهیم اگر صلاح مملکت این است بنده عرضی ندارم این را هم باید بگوئیم آقا شما بدستید بروید ما بیطرف هستیم ما ما کاری نداشته باشید بسیار خوب پس فردا تکلیف چیست شما تصور میکنید که بنده این عرایضی را که دارم میکنم يك عرایضی است که بی اساس است؟ بی حقیقت است؟ يك قدری تأمل بکنید دقت کنید بعد قضا یا را خوب خواهید فهمید پس دولت ایران همیشه دوستی و همسایگی ملت بریتانیا و شوروی را محترم داشته و اعلان بیطرفی دولت ایران با صداقت و حقیقت بود پس است که بعد از این که آمدند و ملتفت شدند که چیزی نیست خودشان بایستی رفتارشان را با ما عوض کنند بنابر این مقتضی بود که دو همسایه محترم بصرف يك سوء ظن باین دوستی و همسایگی و بیطرفی پشت پا زده و با رویه خصمانه دو نك خاك ایران را اشغال کنند در صورتیکه وضعیت جنگ حیاتی و ممانی برای دولت بریتانیا و شوروی ایجاب میکرد که بدولت ایران همان

همکاری را داشته باشند ممکن بود که با مسالمت این قضیه صورت بگیرد. دولت ایران برای حفظ همین دوستی امر بمقابل که جنگ داد... (عده از نمایندگان - جنگی نشده بود) برای حفظ دوستی دولت ایران امر بعدم استقامت داد. (جمعی از نمایندگان - استقامتی درین نبود) مقصود این است که بنده دوستی خودش را بدولت بریتانیا و با دولت شوروی بهم بزند برای اینکه در آینده بتواند از دوستی آنها استفاده کند. در اطراف فصول این عهدنامه راجع بچند فقره بنده یادداشت هائی مکرده ام که اینها را بعنوان پیشنهاد ارجاع بکمیسسیون تقدیم رئیس مجلس میکنم که بعداً مورد شور و مذاکره قرار گیرد. وزیر فرهنگ - برخلاف عقیده دوست عزیزم آقای امیر تیمور کلای شاید بنده نظامنامه را فراموش نکرده باشم ایشان میدانند که بنده چندین سال در مجلس اقتضای نمایندگی داشتم و مدتی هم اقتضای ریاست مجلس را دارا بودم در دوره که نفاق و بیبانی خیلی آزاد بود و فحول از علمای سیاسی و بزرگان مملکتی در این مجلس بودند بنده همیشه معتقد بوده ام باینکه مجلس را احترام کنیم الان هم به همان عقیده باقی هستیم و میدانم هم در آن دوره ها که دو نظامنامه خیلی بحث میشد این مسائل خیلی مورد بحث بود که وزیر وقت می آید در مجلس شورای ملی چه وظایفی دارد در واقع او شریک نمایندگانی است و حق دارد در يك مواقعی صحبت هائی بکند. منظورم از اینکه این مطلب را عرض کردم باز رعایت احترام مجلس بود چرا؟ برای اینکه ایشان اشاره کردند بیک مراسلانی که مبادله شده است بین دولت ایران و دو دولت دوست و همسایه که ذکر آنها امروز مورد نداشت برای اینکه در چندی قبل در اینجا مذاکره شد و بعد رئیس الوزرای وقت (به بخشید نخست وزیر وقت) تقاضای رأی اعتماد کردند و مجلس هم رأی اعتماد داد و آن موضوع تمام شد حالا از سر گرفتن و مورد بحث قرار دادن تصور میکنم که خارج از موضوع است...

امیر تیمور - از سر نکرده استندال کردم

وزیر فرهنگ - تشخیص این موضوع با آقای رئیس

مجلس است بدون اجازه نباید حرف بزند
امیر تیمور - بهمان دلیل که شما بدون اجازه حرف نزدید
وزیر فرهنگ - خوب بنده قهر نمیکنم و عصبانی هم نمیشوم از این میگذریم (البته آن سفر هوامستعد است به اینکه شاید يك احتراقی تولید شود) ولی میخواستم چند تذکر بدهم به آقایان نمایندگان یعنی به آن آقایانی که صحبت کردند البته این تذکرات دوستانه است و از نظر خطابه و نطق مورد توجه است امروز همه ما ها در این پیش آمد شریک هستیم و بنا بر این هر کدام اظهاری که میکنیم فقط مبتنی بر عقیده است. بنا بر این از هر گونه بیانی که يك سوء تفاهمی تولید کند باید اجتناب کنیم مثلی است معروف که يك سوزن بخودت بزنی يك جوال دوز بمردم یکی از مطلقین محترم میگوید که خدا از بد کاران انتقام خواهد کشید البته بنده هم این عقیده را دارم اما این را در يك موقعی دیگر میگویم یکی دیگر میگوید من صرفاً از روی وطن پرستی اینجا مخالفت میکنم معنای این این است که دیگران که موافقت میکنند وطن پرست نیستند راست است که مفهوم مخالف حجت نیست ولی بین ادبا (دکتر ماهری - کسی این منظور را ندارد) بله عرض کردم بین ادبا مفهوم مخالف حجت نیست ولی عامه که این تشخیص را امیدهند و اینطور تصور میکنند شما که این بیان را میکنید شما وطن پرست هستید ولی دیگران خدای بخوایست و وطن پرست نیستند. در صورتیکه اینطور نیست شما از روی عقیده خودتان میگوئید بنده هم میخواهم بگویم چه هستم و کیستم بنده هم عرض میکنم در عین اینکه وطن پرست هستم امروز صلاح مملکت را اینطور میدانم که این صلاح مملکت است پس بنا بر این از این قبیل حرفهای زنده باید اجتناب کنیم آقا ما که دعوی نداریم ما که پدر کشتگی با هم نداریم يك حادثه روی آورده است بمملکت ما میخواهیم بدون هیچ غرض و بدون هیچ مرضی بابرادری و برابری بدون هیچ نظری این را حل کنیم حالا از این قضیه بگذریم. چون بنده هیچوقت وحشتی نداشته ام که آنچه راجع بخیر و صلاح

ملکیت بوده است بگویم ممکن است در آن روزی که بنده آن حرفها را زده ام افکار حاضر نبوده است یا اینکه افکار از نظر احساسات مخالف بوده است ولی مرور زمان و گذشتن وقت بعد از چندین سال تصدیق کرده است عریض بنده را بنا بر این امروز هم با کمال سراجت در حضور نمایندگان محترم و بلکه چون میدانم که عریض بنده بسبب عامه ایرانیان خواهد رسید در حضور تمام ملت ایران این عقاید خودم را عرض میکنم و بنده هم در آینده امیدوارم که تاریخ قضاوت کند یا اینکه همین نسل فعلی که الان هستند قضاوت کنند عریض میکنم همانطور که جناب آقای نخست وزیر اشاره کردند مواقع عادی با غیر عادی خیلی فرق دارد در اینکه هر دولتی اول وظیفه خودش این را میداند که حفظ منافع و مصالح سیاسی خودش را باید بکند خواه این دولت کوچک باشد خواه قوی باشد تا وقتی که یک مزاحمتی برای منافع سیاسی او پیدا شود وقتی که مزاحمتی برای منافع سیاسی او پیدا شد (امروز اینطور شده است عصر ما اینطور شده است) او دفاع میکند و برای دفاع از منافع خودش همه گونه اقدام میکند دیگر منتظر نیست که مردم ملل دیگر يك توقعاتی غیر از این داشته باشند و همان طور که اشاره شده است امروز دنیا از ابتدای این جنگ جهان سوز بر روی همین اصل بوده است وضعیت ما از نظر جغرافیائی يك وضعیت خاصی است يك دولت قوی در شمال (که در حال سیستم حکومتش هر شکلی باشد چون این قطعات خاك را ما نمیتوانیم از يك جا برداریم و در جای دیگر بگذاریم) از نظر خاك همسایه ما است که ملت روسیه و حکومت روسیه خواهد بود بهر شکلی باشد از يك طرف دیگر يك دولت قوی دیگری است که آن دولت هم علاقه دارد و آن انگلستان است علاقه آنها به ایران علاقه تبعی است نه علاقه اصلاتی باین معنی که آنها در نظر دارند که استقلال ایران و تمامیت ارضی ایران، از حیث اینکه اینجا ایران است به مخاطره بیفتد یا اینکه در مخاطره بیندازند و هیچ وقت این خیال را نداشته اند که استقلال ایران به مخاطره بیفتد بنده اینجا بالصراحة عرض میکنم

ولی خوب منافع ما اینطور اقتضای میکند حالا اگر چنانچه قضایا خاتمه یافت و ایران میدان جنگ واقع نشد اصلش نتیجه سوئی عاید ما نخواهد شد و اگر چنانچه خطای نخواسته ایران مورد جنگ واقع شد این يك امری است که ما نمیتوانیم متأسفانه از آن جلو گیری کنیم زیرا ما قدرت و توانائی نداریم که از این جنگ جلو گیری کنیم و مخصوصاً اگر يك دولت دیگری هم که خیلی قوی باشد و بخواند وارد سرزمین ما بشود بنا بر این مصلحت امروز اقتضا میکند که این سوء تفاهمائی که در سابق بوده است بوسیله این پیمان کاملاً رفع شود و همان دوستی هائی که در قدیم بین ملت ایران و این دولت بزرگ یعنی دولت جواهر شوروی و دولت انگلستان بوده است باز هم برقرار شود و رفتار ما با آنها و رفتار آنها هم با ما همانطور که سابقاً دوستانه بوده است بعد از این هم دوستانه باشد حالا برای اینکه در آینده ممکن است يك تالیف دیگری پیدا شود برای اینکه عاقبت جنگ را کسی نمیداند که نتیجه چه خواهد شد و چه صورتی پیدا خواهد کرد این است که اگر بین ما و این دو همسایه يك پیمانی باشد البته آن موقعی که مقتضی شد که ما از این پیمان استفاده کنیم استفاده خواهیم کرد و يك سندی هم در دست خواهد بود و آن سند سندی است که بعد از تصویب مجلس تمام دنیا آگاه خواهد شد که این پیمان بین ما و این دو دولت منعقد شده و تصور نمیکند که این دو دولت هم بر خلاف این پیمان بخواهند رفتار کنند و آنچه تعهد کرده اند غیر از آن عمل نکنند بلکه امیدوار هستیم که يك حسن تفاهمی که امروز و در آینده هم صلاح ملت ایران است که بین ما و این دو دولت باشد بیشتر از پیش ایجاد بشود که ما بتوانیم بیشتر استفاده کنیم و وضعیت ما دچار ضعف و سستی نشود.

رئیس - آقای دکتر جوان.

دکتر جوان - بنده در نظر داشتم عریض خودم را راجع به این پیمان بطور تفصیل عرض کنم و پیش بینی کرده بودم که لااقل یکساعت طول بدهم ولی چون می بینم آقایان دیگر هم باید صحبت بکنند و از طرف دیگر راجع باین

پیمان مذاکرات دوشوری است یعنی نماینده در هر دوشور میتواند صحبت کند بنده عریض را دو قسمت کرده ام يك قسمتی که مربوط بکلیات است و اعتراضات و ایراداتی که قبلاً تقدیم داشتم آنرا در این جلسه عرض میکنم و قسمت دیگر را در شور دوم و میتوانم از حالا پیش بینی کنم که مجموع مدت این عریض در دو جلسه بیش از یکساعت نخواهد شد. موضوع پیمان دولت شوروی و انگلستان موضوعی است که هر قدر بیشتر در آن صحبت شود مفاسد و زیان او برای کشور عزیز ما بیشتر روشن خواهد شد گرچه این پیمان عبارت از یکسایر ناسلیس نوشته شده و معلوم میشود که منحصر از يك زبان بیگانه ترجمه شده ولی اگر دقت شود این پیمان جلالتش طوری ماهرانه بر ضد کشور ما تنظیم گردیده که هر جمله آن بمنزله پرده ایست روی يك حقیقت تلخی و بنده میخواهم در این جلسه آنچه که وقت اجازه بدهد پرده از روی این حقایق تلخ بردارم برای اینکه بعد از اینکه توجه پیدا کردند سروکار ایشان با چیست و بچه اندازه اهمیت دارد و در نتیجه این رأی موافق یا مخالفی که میدهند راجع بچه مقدمات خودشان اقدام میکنند حتماً توجه بیشتری در این امر خواهند نمود و حتماً راجع بمذاکرانی که از طرف آقایان میشود و صحبت میشود وقت را برای صحبت های خصوصی صرف خواهند نمود. آقایان بنده عقیده دارم که هیچ مسلمانی در دنیا بهتر از مسلمك حقیقت گوئی و حقیقت پرستی نیست و هیچ گناهی دردناک تر از حقیقت پوشی و کتمان حقیقت نیست. اغلب مفاسد اخلاقی ما از قبیل دروغ گفتن، تملق، چاپلوسی و همچنین اغلب جرائم عمومی از قبیل دزدی، کلاه برداری، خیانت تماماً از منابع حقیقت پوشیدن ریشه میگیرند بنا بر این بعقیده بنده امروز بهترین جهادی که بکنم جوان ایرانی يك فرد وطن پرست میتواند بکند عبارت از جهاد و کوشش در راه حقیقت است بنده برای اینکه مقصودم را بتوانم عرض کنم ناچارم يك مقدمه مختصری تذکر بدهم. آقایان میدانید که آزادی تمام ملت ایران در زمان شاه سابق تا اندازه ای به خطر افتاده بود و آزادی تا حدی بود که با منافع آن شاه تماس پیدا نمیکرد یعنی شاه سابق در کشور ما تسلط یافته بود.

رئیس - در اصل موضوع صحبت کنید.

دکتر جوان - و اما مطالب بنده در اطراف ایرادات و اعتراضاتی که نسبت به پیمان مطابق نظامنامه قبلاً تقدیم داشته‌ام در فصل اول پیمان نوشته شده که (دولت انگلستان تعهد کرده است تمامیت خاک ایران و استقلال سیاسی ایران را محترم دارد) آقایان دقت کنید بنده دلائلی اقامه خواهم کرد که بکلی سیاست ما را از دست ما گرفته‌اند. اینجا نوشته‌اند استقلال سیاسی ایران را رعایت کنند پس استقلال اقتصادی ایران کجا رفته است و اگر بطور کلی نوشته شده بود که استقلال کامل ایران را محترم دارد در این قسمت ایرادی نداشت ولی قید عنوان سیاسی در پیمان استقلال اقتصادی را خارج می‌کند متأسفانه در این ماده اکتفا نشده به زمان جنگ اگر این ماده نبود بنده می‌گفتم چند ساله و برای زمان جنگ است ولی آقایان مراجعه کنید به فصول بعدی در فصل سه و چهار و بعد در ضمیمه یک مجدداً همین تعهد طوری نوشته شده که از بین رفتن استقلال اقتصادی ما شامل زمان بعد از جنگ نیز شده و می‌نویسند که دول متحده متعهد شده‌اند که در پایان جنگ در هر کنفرانس صلح و همچنین در کنفرانس‌های بین‌المللی دیگر حداکثر استقلال سیاسی ایران را رعایت نمایند در اینجا استقلال اقتصادی قید نیست و اگر این دو دولت با ما دوست و متحد هستند چه شده استقلال اقتصادی ما را در پیمان ذکر کرده‌اند.

آقایان میدانید استقلال اقتصادی چیست؟ بنده این را در کمیسیون عرض کردم و تذکر دادم جوابی که دادند این بود که جنگ دنیا برای اقتصادیات است دولت انگلستان برای خاطر اقتصادیات وارد خاک ما شده‌اند نمی‌آیند در این قرارداد رعایت استقلال اقتصادی ما را بکنند.

آقایان: استقلال اقتصادی این نیست که یک روز تصمیم بگیرند کشت تریاک یا کشت پنبه بشود یا نشود. استقلال اقتصادی عبارت از حق استخراج معادن است حق ایجاد کارخانجات است حق تأسیس کارخانه ذوب آهن است که مادر صنایع میباشد و حق تنظیم تعرفه کمر کی برای حفظ صنایع داخله است.

رئیس - آقای دکتر جوان اینها مربوط به موضوع نیست
دکتر جوان - برای خویشتن منافع ملی تهیه دیده بودام از حق با ناحق و آزادی مناهم هر جا که تماس پیدا میکرد محدود میکرد بقید بنده بعد از آن شاه یعنی بعد از حوادث شهر یورماه آزادی ماملت ایران بوجه شدیدتر بخاطر افتاده و محدود شده ولی این حد تغییر وضعیت داده و آزادی ما تا حدی محدود شده که با منافع سیاسی و اقتصادی دولت انگلستان و متحدین او اصطلاحاً پیدا کند و این امر نتیجه قهری و طبیعی اشغال شدن کشور ما از طرف نیروی بیگانه است آقایان میدانند در زمان ناصرالدین شاه امتیازی بنام امتیاز توتون بیک شرکت انگلیسی واگذار شد و میدانید ملت آنروزی ایران که کمرش زیر ستم‌های ناصرالدین شاه خم گشته بود با چه شدت بر علیه آن قیام و آنرا لغو نمود و همچنین میدانید که در سال ۱۹۱۹ قرارداد شومی که معروف بقرارداد وثوق الدوله شد تمام ملت با چه شهامت و دلیری بر علیه آن قیام کردند و آنرا لغو نمودند و اینکه بعضی گفته‌اند یا تصور کرده‌اند که الفای آن قرارداد ناشی از یک سیاست بیگانه بوده بخاطر رفته و اشتباه کرده‌اند زیرا عقد این قرارداد تالغو آن چندین فاصله نداشته که تصور کنیم در سیاست دنیا یک همچو تغییری پیش آمده باشد و باین ترتیب چه شده است این پیمان که متجاوز از دو ماه است در تمام کشور بین همه مورد گفتگو واقع شده آب از آب تکان نمی‌خورد. تصور نکنید برای این است که ملت ایران احساسات ندارد خیر علت همان است که عرض نمودم و کشور ما در زیر اشغال نیروی بیگانه شنیده‌اید و در جرائد خوانده‌اید که در اصفهان عده از بازار گانان میهن پرست تجمع کرده و تلگرافاً رد این پیمان را خواستار شده‌اند برای این است که خوشبختانه شهر اصفهان تا اندازه از اشغال نیروی بیگانه بدور است و نتیجه‌ای که از این مقدمه میگیریم این است که عدم ابراز احساسات از طرف ملت و سکوت او دلیل رضایت ملت ایران باین پیمان نیست و ملت ایران نسبت باین پیمان رضایت ندارد. (همهمه بین نمایندگان)

سید یعقوب انوار - همه میدانستیم کسی اینها را از ما گرفته؟

نخست‌وزیر - نه من این حرفها را زدم و نه استقلال اقتصادی این معنی را دارد.

دکتر جوان - آقا یکنفر نماینده حق ندارد صحبت کند و استقلال اقتصادی را معنی کند؟

انوار - بنده هم حق ابراز احساسات ندارم؟

دکتر جوان - آقای انوار این خنده‌های شما مخالف با گریه‌هایی است که میکردی. یکنفر نماینده حق دارد استقلال اقتصادی را معنی کند من دارم تعریف میکنم. استقلال اقتصادی که امروز از ما گرفته میشود.

انوار - کی از دست ما میگیرد.

رئیس - باید یک طوری حرف زد که آقایان بیسندند.

دکتر جوان - امروز روزی نیست که شما حق قانونی کسی را از دستش بگیرید. بنده میدانم که زمینه برای این پیمان مهیا شده است بنده حرفی از دم میگویم معنی استقلال اقتصادی چیست که رفقای عزیز بنده بدانند. میفرمایند که این استقلال اقتصادی ما گرفته نشده است بنده عرض کردم که چرا استقلال سیاسی را قید میکنید و استقلال اقتصادی را خارج میکنید. استقلال اقتصادی همانطور که عرض کردم حق استخراج معادن ایجاد کارخانجات، کشاورزی، حق نظارت در تعرفه کمر کی حق نظارت در ارز خارجی و حتی تصمیم در انحصار داخلی و یا خارجی و یا عدم انحصار که مجموع اینها استقلال اقتصادی کشور است و کشوری که استقلال اقتصادی ندارد تجارت ندارد، کسبه ندارد، ملک ندارد، صنایع و کشاورزی و بالاخره استقلال سیاسی ندارد و تنها داشتن حق فرستادن نمایندگان سیاسی در کشورهای بیگانه بدون استقلال اقتصادی بچه درد می‌خورد؟ آقایان می‌بینید شاه سابق اگر در چند سال اخیر خوب کار نکرد و بدبختی برای کشور ما تهیه کرد اما در اوایل خدمات مهمی برای کشور ما نمود که تاریخ خواهد نوشت از جمله شاه سابق کاپیتولاسیون را لغو کرد. آقایان کاپیتولاسیون تنها حق قضاوت قنصلها

نیست بلکه کاپیتولاسیون داشتن حق تعرفه کمر کی و استقلال اقتصادی و جلو گیری از ترقی صنایع داخلی است و اگر شما می‌بینید که بعد از اینهمه زحمت و خرابی در این بیست سال باز هم در کشور ما خوشبختانه طبقه بیرومند تجارت و بازار گانان و یک صنایعی موجود است نتیجه استقلال اقتصادی بوده است در هر صورت اگر آقایان بفرمایند چنین چیزی نبود یعنی استقلال اقتصادی ما از دست گرفته بنده در پیشنهاداتم قید کرده‌ام و در اعتراضاتم نوشته‌ام که با این کلمه سیاسی را بردارید یا اینکه کلمه استقلال اقتصادی را هم اضافه کنید رفع اشکال میشود بنده اعتراض کرده‌ام و بلکه دیدم آقایان نمایندگان دیگر هم در نظریاتشان پیشنهاد کرده‌اند در هر صورت در کمیسیون پیشنهاد خواهند کرد. اما موضوع دیگر که متأسفانه بنده را از روز اول با این پیمان مخالف کرده یعنی از روز اول قبل از طرح این پیمان بنده پیش بینی میکردم و آن موضوع فصل بعد است راجع به معاضدت لشکری ایران در حدود امنیت داخلی آقایان میدانید معنای این چیست؟ در این ماده میخواهند بگویند که ای ملت ایران ما در اینجا بشما خدمت کرده‌ایم خواستیم بگوئیم در جنگ خارجی با کسی طرف نشوید معاضدت نکنید. این حرف را زده‌اند. ولی این ساده را گذاشته‌اند ملاحظه خواهید کرد که این ماده صریحاً ما را طرف خواهد کرد هر نماینده‌ای حق دارد دلائلش را راجع باستنباطی که میکنند عرض بکنند اگر در این ماده نوشته شده بود که دولت ایران هیچگونه معاضدت لشکری نخواهد نمود اشکال نداشت آوقت حرف آقایان که فرمودند معاضدت لشکری نخواهد نمود درست بود چون بطور کلی نوشته شده بود که معاضدت لشکری نخواهد نمود ولی نوشته شده است معاضدت لشکری در حدود امنیت داخله خواهد بود معنایش این است که بمحض اینکه در نتیجه یک پیش-آمدی امنیت داخله ما بهم خورد آوقت ما بایستی معاضدت لشکری بکنیم. یعنی چه. اختلال امنیت داخلی این نیست که یک عده اشرار امنیت آنجا را بهم بزند. خدای نکرده

اگر يك روزی از مرز شمالی و غربی ما يك دولت بیگانه تعدی کرد و نظامیان او وارد کشور ما شد و چند فرسخ در داخل کشور ما رفت آیا امنیت کشور ما در این قسمت که نظامیان بیگانه یا نظامیان آلمان وارد شده اند از بین نخواهد رفت و بهم نخواهد خورد؟ آنگاه آنکسی که بخواهد معاهده ما را بوضع شدیدتری ترجمه و استفاده کند بما نخواهد گفت که شما در عهدنامه تان نوشته اید معاضدت لشکری در حدود امنیت داخلی کنید این است که از قایان مرز شمالی یا غربی امنیت داخلی ما بهم خورده است آقایان اگر میگویند اینطور نیست پس مانعش چیست که این جمله را بردارند بنویسند که دولت ایران معاضدت لشکری نخواهد نمود اگر اینجا ایراد کنید که این را نوشته اند که حق انتظامات داخلی ما داشته باشیم در کدام عهدنامه دولت متعاهد قید میکنند که من امنیت داخلی خودم را حفظ میکنم این را لازم نیست که کسی در قرارداد بنویسد یا اگر بنویسد این را فردا همین انگلستان یا متحدین او میآیند دست شما را میگیرند که خیر امنیت داخلی را حفظ نکنید خیر اگر اینجا نوشته شده بود که معاضدت لشکری نخواهد نمود اشکالی نداشت ولی چون نوشته شده است که معاضدت لشکری در حدود امنیت داخلی خواهد بود و با این ترتیب اگر يك روزی خدای نکرده در نتیجه تجاوز يك دولت بیگانه دیگری مانند آلمان اگر امنیت در چند فرسخ از خاك مقدس ما بهم خورد همین موضوع را بوجه شدیدتر بما خواهند گفت بنده علت اینست که در تعلق گذشته خودم راجع بنظام وظیفه صحبت کردم پیش بینی ام بجهت نبود برای اینکه بنده فکر میکردم يك دولت قوی مثل انگلستان و قتیکه وارد خاك ایران میشود معاضدت لشکری را با این قید بما تحمیل میکنند این بود که پایه آنجا گذاشتم متأسفانه می بینم آن پیش بینی که من کرده بودم واقعیت پیدا کرده دلایلش هم این است که اگر شما این پیمان را با این وضع و این عبارت تصویب کردید بلافاصله خواهید دید

آمده ایم جوانان کشور را مصادف کرده ایم باین خطر قریب احتمالی همچنین در کفه دیگر که عبارت از قراردادهای مالی است در عوض اینکه میخواهند ما را حفظ کنند در مقابل اجنبی بعقیده بنده يك تعهدی است که باندازه بر يك پشه برای ما وزن ندارد استقلالمان را داده ایم معاضدت لشکری با آن وضعیت این معامله معامله صحیحی نبوده است این معامله خیالی شبیه معاملاتی است که شاه سابق در مازندران کرد که قبالة رعایا گرفت سند مالکیت هم گرفت و آخرش دیدید چه صورتی پیدا کرد!

نخست وزیر - آقای دکتر بحمدالله هم اسماً و هم در صفا جوان هستند و نفسشان نفس تازه جوانی است بنده متأسفانه پیرم و نفس ندارم که حرف بزنم و نمیتوانم آن حرارتی را که ایشان در بیاناتشان ایجاد میکنند ایجاد کنم در وجود خودم حرارتی نیست این است که نمیتوانم حرارتی ایجاد کنم بعلاوه بنده احتراز دارم از اینکه بیاناتی بکنم که از روی عصبانیت باشد یا از روی احساسات باشد بلکه سعی دارم همیشه عرضی که میکنم از روی تعقل و منطق باشد فقط يك صفتی دارند آقای دکتر جوان و آن صفت خوب است و خیلی هم خوب است ولی خوب است که يك معادل و مسکنی هم داشته باشد آن صفتی که ایشان دارند این است که در عقاید خودشان راسخ هستند البته این صفت خوب است اما همیشه با اصول عقلیه خوب است که شخصی این حالت را هم داشته باشد که حرف طرف مقابل را ولو اینکه مخالف نظر او هم باشد گوش بدهد تأمل کند. تماماً عقیده اش این نباشد که من فهمیده ام و طرف مخالف که با من مخالفت میکند نفهمیده است شاید طرف هم فهمیده باشد بنده این احتمال را میدهم همیشه در عقاید خودم من هم رسوخ دارم اما وقتی فهمیدم که من اشتباه کرده بودم آنوقت از آن عقیده راسخ خودم سرف نظر میکنم تا وقتی که آن دلائل را نفهمیده ام و اقتناع نشده ام به آن عقیده خودم باقی بوده ام حالا هم اینقدر راسخ نباشید در عقایدی که اظهار فرمودید و یقین داشته باشید که صحیح است اینطور نیست اولاً در این عهدنامه

ذکر نشدن استقلال اقتصادی دلیل بر این نمیشود که استقلال اقتصادی ما متزلزل باشد این که گفته اند استقلال سیاسی شما را ما رعایت میکنیم این دلیل نمیشود که سایر استقلالهای شما رعایت نمیشود حالا آقای دکتر جوان میگویند که چرا استقلال اقتصادی ما را ذکر نکرده اند عرض میکنم که استقلال سیاسی بمنزله حیات و وجود يك دولتی است یعنی نسبت بدولتها بمنزله حیات و وجود شخص است استقلالهای دیگر تبع این است فرسخ این است اگر استقلال سیاسی شما محفوظ بماند آنوقت استقلال اقتصادی خودتان را هم تا آن اندازه که ممکن است محفوظ بماند حفظ خواهد کردید اما اگر استقلال سیاسی نداشته باشید وجود ندارید این استقلال که حفظ شد هر چیز را هم که نداشته باشید میتواند تحصیل کنید آن چیزی را که بمان کردید بنده نگفتم و معنیش این نبود که بنده گفته ام که استقلال اقتصادی ما را از ما گرفته اند یا میگیرند یا محدود میکنند خیر اشخاصی که در کمیسیون بوده اند اطلاع دارند بنده گفتم کسی نمیتواند تعهد بکند که استقلال اقتصادی يك کسی دیگر يك دولتی دیگر را محفوظ نگاه دارد و آن بدست خودش است بنده عرض کردم مواردی پیدا میشود که يك دولتی حاضر میشود تا اندازه استقلال اقتصادی خودش را از دست بدهد از برای مصلحت و مثال بزنم و گفتم آیا شما معتقد هستید یا اینکه دولت ها باید باهم عهدنامه تجارتی به بندند یا معتقد نیستید اگر معتقد هستید که دولت ها بایستی عهدنامه تجارتی باهم به بندند هر عهدنامه که می بندید يك مقداری از استقلال اقتصادی خودتان را محدود می کنید در اینصورت چه طور يك دولت دیگری ضمانت بکند که استقلال اقتصادی شما محفوظ بماند اگر شما استقلال سیاسی داشته باشید اگر عهدنامه تجارتی به بندید و استقلال اقتصادی خودتان را محدود کنید يك کاری است که با اختیار کرده اید این چیزهایی را که معنی کردید از برای استقلال اقتصادی اینها هیچکدام ربطی به استقلال اقتصادی ندارد و اینها همه جزو استقلال سیاسی و حاکمیت دولت است دولتی که حق حاکمیت او بر قرار

باشد حق دارد معدن خودش را استخراج کند دولتی که
حاکمیت او برقرار باشد حق دارد کارخانه احداث کند (صحیح
است) و اگر باین دلائل قانع میشوید بنده قسم میخورم و
استقلال اقتصادی همین است که عرض کردم که يك دولتی
میايد قبول میکند که فلان امر از فلان جهت اقتصاد خودش
را محدود کند مثل اینکه بنده مثل آوردن شما هم نکر کردید
بنده این مثل را آوردم گفتم در آن زمانی که جامعه ملل بر
قرار بود جامعه ملل که يك جامعه بود برای حفظ استقلال
همه دول من جمله دولت ما و ما هم در آن جامعه عضویت
داشتیم و بواسطه عضویت در آن جامعه هیچکس نمیگفت
که ما استقلال خودمان را کاسته ایم هر چند زندقه
در جامعه مستلزم این است که انسان يك اندازه ای هم از
استقلال خودش بکاهد بهمان دلیل که آزادی برای افراد گفته
اند آزادی تام و تمام نمیتواند باشد برای اینکه مقصود از قانون
این است که من آزادم بدلیل اینکه در مملکت ایران بحمدالله
آزادی برقرار است من هم آزادم اما بعضی کارها را نمی توانم
بکنم برای اینکه قانونی است از این جهت نمی گویند که تو
آزاد نیستی بهمان دلیل هم دول در زندگانی با یکدیگر يك
حد و حدودی برای خودشان قائل میشوند که آن حد و حدود
منافی با استقلال نیست عرض کنم جامعه ملل بود همان وقت که
معضو جامعه ملل بودیم و استقلال کامل هم داشتیم و وضعمان
هم از امروز خیلی بهتر بود جامعه ملل در آن روز عبارت از
پنجاه شصت دولت بود میخواست و مشغول بود که يك قراردادی
تهیه کند و بامضاء دول برساند که در باب کشتن تریاك و مصرف
تریاك يك حدودی برقرار نماید دول بسیارشان قرارداد را امضاء
کردند و آنهایی هم که امضاء نکردند در شرف امضاء بودند
که يك حوادثی پیش آمد که نتوانست آن نظر خود را انجام
دهد و اگر این حوادث پیش نیامده بود شاید این قرارداد
امروز عمومیت پیدا کرده بود و ما هم جزو آن بودیم و
تسهیلاتی کرده بودیم یا راجع به تریاك یا راجع به کشت
تریاك و یا نسبت به تجارت تریاك یا نسبت به مصرف تریاك ملاحظه
میفرمائید که مردمانی که باهم زندگانی میکنند همینطور

که اجتماع می کنند انجمن میکنند آیا حزب را میشود
منکرش شد که نباید حزب در مملکت باشد بنده که این عقیده
را ندارم بنده عقیده دارم که حزب در مملکت باید تشکیل شود
بلکه بدون حزب لا اقل دولت مشروطه نمیتواند وجود داشته باشد
معنی حزب چیست؟ معنی حزب این است که پنج نفر صد نفر
هزار نفر پنجاه هزار نفر با هم داخل يك حزبی میشوند تعهد
میکنند که با هم کار کنند نظارهای خودشان را با هم وفق
بدهند نتیجه آن این است هر فردی از آن آزادی نظاری که
دارد يك اندازه و يك حدی صرف نظر کند حالا اگر در يك
حزبی بود و در آن حزب خواستند که يك نظارهایی را به
او تحمیل کنند که او مضر بداند خوب از آن حزب بیرون
می آید و کار نمیکند ولی وقتی که کار بدان جاها رسید است
البته هر کس که داخل حزب میشود تابع عقاید دیگران میشود
زندگانی اجتماعی مستلزم این است مثلاً در همان جامعه ملل
راجع به تریاك گفته میشد که مرفین در بعضی ممالک بسازند
و هیچکس هم ایراد نکرد که این مخالف استقلال اقتصادی
فلان مملکت است خیر مصلحت نوع بشر اینطور اقتضا میکند
که مرفین را تا يك حدی بسازند که همه مردم دنیا مرفینی
اشود که برای مصلحت دنیا بد است پس بنابراین همان دولی
که مقید به استقلال سیاسی و اقتصادی خودشان بودند قبول
کردند و تمسکین کردند به اینکه ساخته شدن مرفین محدود
باشد باین که در بعضی از ممالک ساخته شود یا ساخته نشود
این تعریفی بود که بنده عرض کردم راجع به استقلال اقتصادی
پس بنابراین نمیتوان يك دولتی گفت که من استقلال اقتصادی
شمارا حفظ میکنم و تعهد میکنم خیر شما خودتان مختارید
استقلال دارید آن اندازه که مصلحت خودتان است حفظ کنید
و آن اندازه که مصلحت تان نباشد محدود کنید بنظر بنده
این مسئله خیلی غامض نیست بنده مکرر گفتم و آقای دکتر
جوان در عقیده خودشان راسخ هستند و توجه نمیفرمایند
بحرف طرف مقابل يك چیزی دیگر در بیانات ایشان بود که
خیلی مفصل بود و بنده در آن قسمت فقط بطور اختصار عرض
میکنم که در آن فصلی که گفته میشود معاضدت دولت ایران

محدود بحفظ امنیت داخلی است آنوقت میفرمایند که این حق
میدهد بدولت انگلیس که معاضدت لشکری دولت ایران را
بخواند اولاً نفهمیدیم چرا فرمودند دولت انگلیس و هم دولت
شوروی گفتند این عهدنامه باعث میشود دولت انگلیس و شوروی
معاضدت لشکری دولت را هم بخوانند در صورتیکه امنیت
داخلی برقرار نباشد این استدلال غریبی است اولاً هر دولتی مکلف
است امنیت داخلی خودش را خودش حفظ کند و دولت ایران هم
امنیت داخلی خودش را خودش حفظ میکند انشاء الله ولی
امنیت داخلی این نیست که يك قشون اجنبی بیاید برهم
بزند بکلی مملکت را آنوقت بدان مملکت بگویند شما که
نمیتوانید استقلال داخلی خودتان را حفظ کنید پس بیایید
امنیت داخلی خودتان را حفظ کنید و لشکر بکشید اینطور
نیست بنده این طور نمی فهمم که گفته شده است بموجب
این فصل که دولت مکلف نیست باینکه با دولتين انگلیس
و شوروی شرکت بکند در جنگ با يك دولت خارجی
(صحیح است) ولی امنیت داخلی خودش را باید حفظ کند
اگر خدای بخوایست یکمرتبه پانصد هزار قشون از يك
دولت اجنبی وارد مملکت شد و برهم زد تمام مملکت را
آنوقت کسی خواهد توانست بما بگوید که آقا بیایید امنیت
داخلی خودتان را حفظ کنید آخر اینها يك چیزهای گفتنی
نیست يك چیز واضحی است بدیهی است نظری نیست که
بنده استدلال کنم روی آن بعضی امور بقول حکما انقدر
بدیهی است که وقتی بخوانند استدلال کنند نظری و محمل
شبهه میشود در صورتیکه اینجا هیچ محل شبهه نیست يك
کلمه دیگر عرض میکنم راجع به قرارداد های مالی بنده
امید دارم از کجا استفاده کرده اند باینکه این عهدنامه دولت
را مجاز میکند باین که هر قرارداد مالی که بخوانند با
دولتهای شوروی و انگلیس ببندند چنین چیزی بوده است
بموجب قانون اساسی هر قراردادی که میخواهد باشد وقتی
که میخواهند با دولت خارج يك قراردادی ببندند بایستی
با تصویب مجلس باشد (صحیح است) در این عهد نامه هم
گفته شده است که این عهدنامه اقتصادی باید بتصویب

مجلس برسد و بدیهی است که باید پرسید پس باید در این
قرارداد قيد کنیم دولت میتواند قرارداد هایی در این زمینه
با دولتين شوروی و انگلیس منعقد نماید البته امیدواریم
که هر چه زودتر بسته شود و بعضی از آقایان که نظر دارند
تکمیل این نسبت باین عهدنامه صورت بگیرد آن روزی که
این قرارداد ها بسته شد و ما با طرف مقابلمان مواجه شدیم
قرارداد را می آوریم بمجلس شورای ملی و از تصویب مجلس
شورای ملی میگذرد بنابراین شما يك چیزی را که خلافتش
گفته شده فوراً خلافتش را حکم داده اید آنوقت با این
حرارت مخالفت میکنید

رئیس - آقای ایقوانی

لیقوانی - بنده پیشنهادی تقدیم کرده ام موافقم

رئیس - آقای سزاوار

سزاوار - چون مخالفت بنده بیشتر نسبت بمواد است
بنابر این بنده اصلاحاتی را که در نظر گرفته ام پیشنهاد میکنم
و در موقعش بعرض میرسانم

رئیس - آقای شاهرویدی

شاهرویدی - بنده پیشنهادم را تقدیم کرده ام

رئیس - آقای انوار

انوار - جسارت میکنم به آقایان رفقای خودم آقایان
احسن صحبت را بکلی تغییر داده اند عنوان صحبت کردن
در کلام آن روح گوینده در کلام باید ظاهر باشد نه اینکه
بنده روزنامه بخوانم حالا گذشت چون هر شنیدی که موجود
است چهار وجود دارد وجود کتبی و لفظی و علمی و خارجی
بهترین وجودی که پیدا میشود این است که وجود خارجی
هم با او موافقت بکند و تأثیر در وجود آن بکند یعنی کلام
متکلم تأثیر در مخاطب بکند آقای امیر تیمور کلای زود تند
شدید در این بین هم آقای دکتر جوان که رفیق صمیمی بنده
هستند تند شدند تصدیق بفرمائید این که يك کلماتی که
احساسات را متأذی میکند شما میفرمائید موجب نگرانی
فکری میشود شما میفرمائید استقلال اقتصادی و فلان و
فلان از دست رفت خدا شاهد است که بنده دیوانه می شوم

برای این چیزهایی که میشوند و احیایمات مرا تحریک میکنند و جریحه دار میشود بنده يك آدمی هستم احساسی هنوز بمرتبه عاقله که مطالب را کلی عرض کنم نرسیده ام تا يك امری توجه کنبند فوق العاده متأثر میشوم و دلننگ میشوم این بود که امیدوارم شما بدل نگیرید. موضوع مذاکره این بود که باین پیش آمدی که واقع شده است میخواهیم متحد بشویم و آقای رئیس الوزراء يك معنائی برای این اتحاد کردند و بعد يك مثلی زدند پس با این ترتیب دیگر چي باقی می ماند امروز برای ما این ترتیب پیش آمده است شما میفرمائید اینها را با این ترتیب ما چگونه میتوانیم اتحاد داشته باشیم؟ ما باید با يك ترتیبی اتحاد داشته باشیم که این سوء تفاهم از بین برود و سوء تفاهم تبدیل به حسن تفاهم بشود تا ما بتوانیم از این حسن تفاهم برای مصلحت خودمان استفاده کنیم حسن تفاهم چه چیز است چیزهایی است که در اینجا نوشته شده است باز موجب سوء ظن میشود و احساسات ما را جریحه دار میکند از جمله چیزهایی که نوشته شده است این است که تمام آن جاهایی که محل احتیاج است آنها در دست میگیرند و ما هم اجازه نمیدهند که ما هم استفاده خودمان را از آنها بکنیم آقایانها مال ماست ما باید در دست بگیریم و استفاده خودمان را بکنیم به آنها هم داده شود نه این که ما از آنها در موقع احتیاج بخواهیم و بگویند خیرا آن موقع نیست مثل تلگراف تلفون راه آهن راه شوسه محل هواپیمائی و سایر چیزهایی که هست بنده پیشنهاد کرده ام و در موقع خودش عرض میکنم موضوعی که هست این است و از جمله چیزهایی که بنده متوجه هستم این است که هیئت دولت در این باب توصیه میکنند که حسن تفاهمی ایجاد شود شما میفرمائید حسن تفاهم حسن تفاهم چگونه میتوانیم داشته باشیم و احساساتمان جریحه دار نشود وقتی که آنها می آیند بایران و مطابق ماده ۶ عهدنامه دولت ایران با دولت جمهوری شوروی اگر در خاک ایران يك هسته بر ضد منافع آنها واقع شود حق دارند بیايند به بینند ولی شما ملاحظه بفرمائید که بیرون کردن آنها را در خاک افغانستان چگونه کردید با ما

قوای ایران را منحصر کردید به قوای تأمینیه ما در اینجا چه احتیاجی داریم که بیائیم بناهای نظامی بکنیم یا فرودگاههای هوایی درست کنیم یا چیزهای دیگر... قرار داد نوشته اند بعد از آنکه خواستند بروند با يك شرایطی و اگذار میکنند با چه شرطی؟ دولت ایران شرطی ندارد ما که نخواستیم که گفته که شما بیائید بسازید که حالا به ما بتهدید برای استفاده جنگی و برای استفاده زندگي خواسته اید بنده با این قسمت هم بکلی مخالفم و پیشنهاد هم کرده ام باید همانطور که در جنگ بین الملل واقع شد بخانا ول کردند و رفتند حالا هم بکنند و هکذا قسمتهای دیگر و مواد دیگری هم دارد که از خداوند تبارک و تعالی میخواهم که فرشته صلح زودتر در میان بشر بالهای خودش را باز کند که این محظورات و زحمتهای این برود و خدا کند که بزودی روز صلح و شادی بیاید که ما از این گرفتاریها و این محصه ها بیرون بیائیم.

نخست وزیر - بیانات آقای انوار ملوری نبود که بنده احتیاج داشته باشم زیاد مباحثه کنم فقط لازم است يك کلمه را توضیح بدهم که چرا ذهن ایشان مشوش شده است. این قوای تأمینیه که ذکر شده است هم تأمینیه است و هم دفاعی این قوای نظامی که ما داریم و باید داشته باشیم البته کسی منکر نیست و این عبارتی که در عهدنامه ذکر شده است هیچ دلالتی ندارد که دولت ایران قوای نظامی و دفاعی نداشته باشد اینکه گفته شده است معاضدت قوای ایرانی معاضدت محدود به امنیت داخلی است و قوای ایرانی اعم از پلیس اعم از امنیه اعم از هر چه داریم و معاضدت که آنها از ما تقاضا دارند معاضدت جز امنیت داخلی خودمان نیست این را خواستیم آقا از اشتباه بیرون بیایند.

رئیس - آقای مؤید احمدی.

مؤید احمدی - وقت گذشته است و آقایان هم خسته هستند نمیخواهم وارد بحث و استدلال شوم عرض بنده خیلی مختصر است بشرطی که آقایان توجه کنند. عرض کنم در عبارت آقای اوحیدی يك فرمایش خیلی خوبی بود و بنده میخواهم

عرض کنم که آقای وزیر فرهنگ در جواب آقای امیر تیمور فرمودند و وطن پرست معلوم میشود کس دیگر نیست خیر اینطور نیست همه وطن پرست هستند همانطور که آقای اوحیدی گفتند بنده قسم خوردم که کاربرد نکنم و از این جهت کاربرد نمیکنم ولی نمیشود گفت که چون من قسم خوردم بنده رأی نمیدهم یا این که وقتی رأی میدهم خدای مکرده آن کار بد است این سوء استفاده نخواستیم این جابجاء عقیده آزاد است و هر کس درجه فهمی دارد و درجه استنباطی دارد و روی آن فهم و استنباط خودش صحبت میکند پس از احراز این مقدمه عرض کنم دیروز در کمیسیون خدمت آقای نخست وزیر و آقای وزیر امور خارجه يك موضوعی را عرض کردم و آن این است که البته خاطر آقایان مسبق است که در دوره گذشته یعنی دوره دوازدهم ما به سیاست دولت مطلع بودیم و ما هیچکس فقط میدانستیم که در جنگ حاضر ما بیطرف هستیم و میدانستیم که روابطمان با تمام دول حسنه است مخصوصاً با دول همجوار طبیعتاً هم باید همینطور باشد بعد يك روز صبح ما مصاف شدیم به این که آقای منصور آمدند و گفتند يك همچو قضایائی شد حالا چه قضیه ای اتفاق افتاد که این موضوع پیش آمد ما افهمیدیم بعد هم آن کابینه تغییر کرد و آقای فروغی تشریف آوردند آن قضایائی که بنده نمیخواهم توضیح بدهم و همه آقایان میدانند و آن مراسلاتی که آقای وزیر امور خارجه پشت سر هم قرائت کردند و آن مراسلات هم اشاره داشت به این بی طرفی بعد این پروژه بمیان آمد بعد يك مدتی هم ما از این پروژه اطلاع نداشتیم تا آقای نخست وزیر تشریف آوردند به مجلس و يك هیئتی از آقایان آن پروژه را قرائت کردند بنده افتخار حضور داشتم در خدمت آقایان بعد يك كنتر پروژه باصلاح آقایان تهیه کردند و تدوین کردند و در اطرافش صحبت شد نظریاتی داده شد بعد از آنهم ما اطلاع نداشتیم که این دفعه لایحه آمد. دیروز بنده به آقای نخست وزیر عرض کردم که آن پروژه که تصویب شد ما خیال میکردیم که همان به مجلس خواهد آمد ولیکن دیدیم يك چیز دیگری است و آنها

قبول نشد در جواب فرمودند همانطور که پروژه آنها را ما تصویب نکردیم آنها هم مجبور نبودند که پروژه ما را عیناً تصویب کنند منتفی من اطلاع نداشتم روی اطلاعات خودم بقدری که اطلاعات دارم و سی و شش سال است وارد زندگانی سیاسی هستم نتوانستم بنده خودم را قانع بکنم که این قرار داد باین شکلی که هست برافع ما است حالا عقل بنده حکم است ممکن است، معذومات بنده کم است ممکن است، آقایان بهتر از بنده فهمیده اند ممکن است، بنده بهتر از آقایان فهمیده ام ممکن است (خنده نمایندگان) بنده با این قرار داد و با این طرحی که آمده است مخالفم اگر پیشنهادات آقایان پذیرفته شود شاید والا تازمانی که وضعیت اینطور است بنده کاملاً با این پیمان مخالفم و از مخالفین جدی این قرار داد هستم و این را برخلاف صلاحیت و صلاح مملکت میدانم.

رئیس - آقای یمن اسفندیاری.

یمن اسفندیاری - بنده تصور نمی کنم که برای بیان عقیده احتیاجی باشد که هر دفعه قسمی خورده باشم برای اینکه این وظیفه عمل شده است و برای دو سال دوره نمایندگی کافی است و من چون این وظیفه را عمل کردم احتیاج به تکرار آن ندارم. آقایان اظهار کردند آقایان مطالبشان را روی کاغذ مینویسند تصور میکنم کسانی که حافظهشان وافی نیست عرایضشان را مینویسند چنانکه الآن هم بنده همین کار را کرده ام و بمرض آقایان میرسانم:

راجع به پیمانی که فعلاً در این جا مورد شور و مطالعه است بحث و مذاکرات زیادی شده عقاید موافق و مخالف اظهار و از طرف آقایان نمایندگان پیشنهادهای اصلاحی هم داده شده است اینک بنده هم بعنوان موافق خاطر عموم را بیک نکته حساس متوجه می کنم. هر قراردادی بهر اسم و رسم که بین دول بسته میشود شدت یا ملایمت اجرا و یا عدم اجرای مفاد آن فقط بسته بحسن نیت و یا سوء نیت طرفین متعاهدین است. اصولاً متن قرار دادها را طرفین همیشه با تردید و کشدار و مبهم نوشته و هر يك از طرفین برای خود

فیمابین دولت ایران و دول متحده مبادله گردد فقط در اجرای مفاد آن باید چه از طرف دولت و ادارات و چه از طرف ملت و افراد نهایت حسن نیت را بخرج داد تا بعد امکان جلب اعتماد و اطمینان دول نامبرده را نمود و از فشارهای وارده عملاً کاست بطوریکه خودشان راه خود را گرفته و با اطمینان خاطر عقب کارهای دیگر و واجب تر خود بروند و الا هر قدر هم در مفاد آن جرح و تعدیل شود وقتی که با سوء نیت باشد هیچ فایده بحال کشور نخواهد داشت از همین حالا باید حسن نیت را نشان داد پیمانی است که قبلاً بین نمایندگان سه دولت شور و مذاکره شده و نمایندگان دو دولت بزرگ آن را امضاء کرده اند هنوز میدانهای جنگ هزارها کیلو متر از مرزهای کشور ما دور است و اگر وقایع اخیر پیش نیامده بود لازم بعقد این پیمان هم نمیشد شاید باین زودیه ها هم جنگ بعقد کشور ما نزدیک نشود زیرا هنوز مواعید زیادی در پیش است و امیدواریم با فضیلت خدای متعال دامنه جنگ اساساً باین سامان سرایت نکند بعقیده من محسین موقع ما احتیاج بکمک های فوری اقتصادی داریم باید کوشید و دول متحده را متوجه بوخامت اوضاع اقتصادی فعلی کشور کرد و مخصوصاً بآنها تذکر داد که ما با اینکه خیلی مقتصد و قانع و کم مدعا هستیم این عادت هم در طبقات مختلفه توده مورد توجه می باشد که حتی المقدور ما بحتاج خود را همیشه حاضر داشته باشیم آنها هم با اینکه کارهای فوری و فوئی زیاد دیگری دارند بقدری فکرشان وسیع و متوجه تمام دنیا است و با ما هم خصوصتی ندارند و میل دارند دوست و صمیمی باشند باز متوجه شده و یقیناً کمک های مؤثری هم می کنند.

باید توجه کرد که کالاهای صادراتی ما را بخرید احتیاجات وارداتی ما را رفع کنند کشتی های بازرگانی انگلیس و آمریکا که بترتیب به بنادر خلیج آمده و بار خود را تخلیه کرده و بار ما را اگر گرفته و خالی به بنادر عراق و هند میروند و در آنجا بار میگیرند برای احتیاجات ما هم بار بیاورند و بارهای ما را هم ببرند ما را هم مشمول قانون وام و اجاره کنند. واردات و صادرات ما را دیگر مشمول (جواز عبور دریائی) ندانند

کالاهای موجود را بصاحبانشان رد کنند و آنچه برده شده و چون مثل همیشه با هم دوست و صمیمی و همکاری هستیم حسابهای آنها را توجه داشته باشند با صاحبانشان تصفیه شود و مردم و خدا را از خود راضی نمایند.

تقاضای دیگر این است با مردم و افراد مستقیماً کاری نداشته و هر تهیدی از افراد می خواهند دولت خود را بپوشانند باشد از افراد تعهدات لازمه را بگیرد و با دستورات لازم مرابدهد اینهاست که بعقیده من باید در این موقع که مذاکرات دوستانه و صمیمانه در جریان است از حل و تصفیه آن دریغ و مضایقه نشود تا هم مقاصد آنها اجرا و هم مقاصد ما منظور گردد و از همین حالا اگر تشنجانی هم در بین عده از افراد کشور باشد مرفوع و بعقیده بنده و رفقای ملت با دولت یکدل و یک جهت بتوانند مشغول کار باشند.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - آقای طوسی.

طوسی - بنده یک قسمت عرایضی داشتم ولی چون فعلاً بوضعیت کنونی مجلس نگاه میکنم لازم میدانم از اغلب عرایض خودم صرف نظر کنم همانطور که نماینده محترم خودشان را پایبند قسم دیدند بنده هم بقسمی که در مجلس خورده ام پایبند و معتقدم فهم و تشخیص شخص بنده باین شکل پیمان بکلی مخالف سیاست از این جهت از هر حیث بطور کلی حتی با مواد آن مخالفم مگر طوری مواد تنظیم شود که مجال باشد و اجازه بدهند که با فرصت بیشتری بنده بتوانم مطالعه و موافقت داشته باشم بطرز فعلی بنده با اصل آن و مواد آن بکلی مخالفم و پیشنهاداتی که لازم بوده است تقدیم میکنم در همین موضوع هم دو پیشنهاد دارم که تقدیم میکنم یکی مربوط به بنده و آقای اراقی و دیگری مربوط به بنده و چند نفر دیگر است تقدیم مقام ریاست میکنم.

رئیس - آقای آزادی.

آزادی - البته آقایان حق دارند خارج شریف میبرند برای اینکه مدتهاست صحبت شده است و حالا هم اگر آقایان موافق نیستند که بنده عرض کنم مسأله ندارد (جمعی از

نمایندگان - بفرمائید) والا مجلس را از اکثریت انداختن تصور نمیکنم امکان خوبی داشته باشد و اگر مجلس از اکثریت بیفتد و آقایانی که اجازه خواسته اند نتوانند صحبت خودشان را بکنند تصور نمیکنم خوب باشد.

عمر من کنم اصولاً عقد پیمان بین دو دولت مبتنی بر مناسبات همجواری و روابط سیاسی و اقتصادی و در بعضی مواقع احتیاج ضروری است و از سه قرن باین طرف بواسطه موقعیت جغرافیائی مناسبات ما با دولتهای روس و انگلیس روبه فزونی رفته و روز بروز روابط سیاسی و اقتصادی فیما بین توسعه یافته است روی این مناسبات عهدنامه های مختلفی بطور افراد و جدا گانه با هر یک از دو دولت منعقد کرده ایم که پایه روابط سیاسی و اقتصادی کشور ما با دو دولت بوده است. در جنگ کنونی که دامنه اش روز بروز وسعت یافته و خرد خرد تمام دنیا در این آتش سوخته و میسوزند از ابتدا چنانکه روید صلح طلبی ما بود بیطرفی خود را به جهانیان اعلام و بهیچوجه کوچکترین قدمی مخالف مقررات بیطرفی برداشته ایم. در سوم شهر یور قضایای ناگواری برای کشور ما پیش آمد و روی همان رعبه بیطرفی و صلح طلبی یادداشت هائی بین دولت ما و دو دولت روس و انگلیس مبادله شد که تا کنون همان یادداشت ها و مراسلات متبادله پایه مناسبات سیاسی و اقتصادی بین کشور ما و دو دولتین است. اکنون معلوم نیست چه عملی ایجاب کرده است که این پیمان بین کشور ما و دو دولتین روس و انگلیس منعقد شود بیرونی دولتین بکشور ما آمده و هر چه خواسته اند کرده اند و هر چه در این پیمان نوشته شده است تماماً در آن یادداشت ها قید و تصریح شده است و بتمام مواد نیز عمل شده است و بنده هر چه فکر میکنم ضرورتی برای عقد این پیمان نمی بینم خاصه این که بعضی قسمتهای این قرارداد ناقض یادداشت های سابق است با مقررات این لایحه ما جزء دول متخاصم میشویم هر چند تصریح شده که معاضدت قوای ایرانی حدود به حفظ امنیت داخلی در خاک ایران خواهد بود ولی بر روی هم که ملاحظه میشود می بینیم که خواهی نخواهی ما در دین متخاصمین خواهیم آمد در حالی که ماده ۴ یادداشت

سفارت کبرای شوروی مورخه ۸ شهریور ۱۳۲۰ و همچنین فقره ۱ و ۲ از یادداشت دیگر تصریح شده است دولت ایران باید بیطرفی خود را ادامه دهد و بطور کلی روح این پیمان در سه قسمت خلاصه میشود: اول استفاده از وسائل ارتباطیه که در یادداشت نامبرده نوشته شده و عملاً هم منظور خود را اجرا کرده اند. دوم نگاه داشتن قوای زمینی و دریائی و هوائی در خاک ایران تا پایان جنگ که باز در همان یادداشت ۸ شهریور و یادداشت های ششم سی و نهم قید شده است. سوم راجع باستقلال و تمامیت خاک ایران این قسمت بهیچوجه احتیاج به پیمان خاص ندارد زیرا یک کشور که سه هزار سال تاریخ درخشان و پرافتخار دارد دیگر لازم نیست که هر ساعت و هر دقیقه استقلال و تمامیت آن تضمین داده شود. خاصه که در پیمان هائی که قبل از جنگ بین دولت ایران و دو دولتین بسته شده این جمله مکرراً تصریح شده است. بعلاوه همه ما میدانیم که این جنگ بخصوص اکنون که دامنه اش بتمام دنیا کشیده شده در اول برای حفظ حقوق و استقلال و تمامیت ارضی ملل ضعیفه بوده است زیرا همه میدانند که قیام دولت و ملت انگلیس برای این جنگ نه از این جهت بود که تعرض بخاک انگلیس شده یا منافع این دولت در خطر افتاده باشد بلکه تنها بخاطر حمایت از ملل کوچک و ضعیف اقدام شده است گذشته از این در منشور اتلانتیک که بین دو دولت بزرگ دموکراسی منعقد شده و دولت روسیه هم بآن ملحق شده آزادی و استقلال و حاکمیت و خود مختاری کلیه ملل دنیا اعلام و تهنیت گردیده است. از همه اینها که بگذریم دولتین روس و انگلیس در یادداشت هائی که در تاریخ هشتم شهریور ماه بدولت ایران داده اند استقلال و تمامیت خاک ایران را تضمین کرده اند و بنابراین احتیاجی به تکرار آن و انعقاد پیمان جدا گانه نیست. گذشته از این دلایلی که عرض کردم اصولاً این پیمان هم کاملاً یک طرفه و صرفه و صلاح ایران در آن ملاحظه نشده و بطور ناقص هم تنظیم گردیده زیرا در بعضی از فصول اجرای این قرارداد منوط به انعقاد قرارداد های دیگری است که بعداً تنظیم و تقدیم میشود در صورتیکه ما امید داریم آن قرار دادها چیست و نسبت به یک

چیز محمولی ما نمیتوانیم امضاء کنیم. این است که بنده اساساً ضرورتی برای عقد این پیمان نمی بینم و معتقدم که این لایحه موافق مصالح و منافع کشور ما نیست و چون خوشبختانه سرو کار ما باین کشور بزرگ دموکراسی است که اکنون برای آزادی و دموکراسی میجنگد و بنده میتوانم اظهار کنم که لازم است در عقد این پیمان مراعات افکار عمومی هم بشود و چون با عجله که دارند شاید مراجعه به افکار عمومی میسر نباشد خوب است عقد پیمان لااقل یک ماه بتعویق افتد که نظریات موافق و مخالف و نویسندگان در روزنامه ها که آئینه افکار ملت است نوشته شده و مطلب روشن تر و واضح گردد. آقایان میدانند که وضعیت غیر عادی و فوق العاده است و چون یکی از دولی که با ما سروکار دارد و ما میخواستیم با او معاهده به بندیم دولت انگلستان است اگر نظر آقایان باشد در موقعی که دولت انگلستان میخواهد وارد جنگ شود به نمایندگان مجلس اجازه دادند که به ایالات و حوزه های انتخابیه خود مسافرت کنند برای این که از عقاید و افکار موکلین خودشان مسبق شوند و به بینند موکلین خودشان بآعلان جنگ با آلمان موافق است یا خیر و روی همین نظر بولایات مسافرت کردند و با موکلین خودشان صحبت کردند و آمدند و این اعلان جنگ را دادند این بود که باین وضعیتی که پیش آمد دو سال تمام مملکت انگلستان مخصوصاً در مواقع بهمان مقاومت کرد و استقامت کرد ما هم اگر قبلاً از ملت ایران اطلاع حاصل کنیم و از افکارشان مسبق شویم هر نتیجه که بعداً حاصل شود تن در میدهند برای اینکه قبلاً اطلاع حاصل کرده و به نمایندگان مجلس اجازه داده است که تصویب بکنند. با این وضعیت بنده عرض میکنم که با این قرارداد مخالف هستیم و با مراسلاتی که نوشته شده است دیگر این پیمان را زائد و غیر ضروری میدانم.

ویرا هر چه در تاریخ زید کانی پارلمانی ما کمتر اتفاق افتاده که یک همچو پیش بیاید و یک همچو قراردادی به مجلس شورای ملی پیشنهاد شود. البته آقایان نمایندگان هر یک بشهر خود حق دارند در اطراف آن اظهار نظر کنند

و عقاید خودشان را بگویند و دولت را با آنچه بشمارشان میرسد متوجه کنند موافقین و مخالفین هر چه بشمارشان میرسد عقیده خودشان را بصحیح بآیین کنند ما یعنی دولت هم همانطور که از اظهار نظر موافقین خوشوقت هستیم همانطور هم نسبت باظهارات مخالفین نهایت احترام را میگذاریم. اگر رجوع بتاریخ ایران بشود ایران یکی از ممالک کهن سالی است که بخودش روزگار هائی دیده است تاریخ روزگارهای مشعشع ما را ثبت کرده در همین زندگانی طولانی ما یک روزگارهای بدی هم البته برای ما پیش آمده ایام سختی هم بمر روی آورده است ولی همین ایران و همین نژاد ایرانی که میتوان گفت مادر همان نژادی است که در عالم فخر میکنند از تمام این مذلتها بجات پیدا کرده است. البته ایران یک مملکتی است دارای گذشته طولانی دارای ادبیات و معرفت هر پیش آمده را بباردباری و صبر و تحمل و حل میکند زنده بوده است و زنده هم خواهد بود (صحیح است - انشاء الله) در اینجا یکی از آقایان نمایندگان اشاره فرمودند و بنده از آن اینها فهمیدم مثل این که این قرارداد با جبر و فشاری توأم بوده است. بنده فقط باید عرض کنم که دولت فقط از روی مصالحت و مقتضیات و مصالح کشور با این قرارداد موافقت کرده است و بهمان نظر هم به مجلس شورای ملی آورده است و اگر مصالحت کشور را در آن امید یک با آن موافقت نمینمود فشار هم در کار نیست و این مطلب بایستی بکلی از اذهان خارج شود. اگر بعضی از آقایان نمایندگان اظهار مخالفت فرمودند اظهار مخالفت آنها را هم نباید بپسندگان سوء تعبیر کنند دولت هیچوقت با مجلس فرقی ندارد و مجلس هم با دولت فرقی ندارد و ملت ایران هم با مجلس جدائی ندارد و همه مطالبی که به مجلس پیشنهاد میشود در امر افش گفتگو میشود دولت و مجلس و ملت در یک مسائل مهمی که برای این مملکت روی میدهد با نظر مصالحت و با نظر صلاح اندیشی مطالعه میکنند بنابراین همانطور که ما یعنی دولت این قرارداد را از نظر فشار و جبر به مجلس نیاورده است همانطور هم بشار نمایندگان مخالف بایستی بهیچوجه مورد سوء استفاده خارجیها بشود و آنرا وسیله پروپاگاند قرار دهند

(صحیح است). اینجا بحث در کلیات شد و بنده اینطور که ملاحظه کردم و آنطور که اطلاع داشتم و سابقه داشتم بنا بود آقایانی که در کلیات مخالفند نظریات خودشان را بفرمایند و بعد آقایانی که نظر اصلاحی دارند و آنچه بنظرشان میرسد بعنوان پیشنهاد اظهار فرمایند ولی حالا می بینم از این خط منحرف شدیم و از مطالب دور افتادیم مثل اینکه بعضی از آقایان میفرمودند که ما بکلی مخالفیم ولی اگر اصلاحاتی بشود یا فلان طور نوشته شود موافقیم این مذاکرات بنظر بنده در طرز و روش معمولی دور است و از مرحله مستقیم خودش منحرف میباشد در این جا صحبت از کلیات شد و همانطور بکه در جلسات خصوصی بنده مفصل عرض کردم و جناب آقای نخست وزیر و جناب آقای وزیر فرهنگ هم مفصلاً توضیح دادند چه بسا مطالبی که مادر جلسات خصوصی بیان کردیم که نمیتوانیم در اینجا بیان و تکرار کنیم. امروز ملل دنیا به دو دسته تقسیم شده اند یکدسته هستند متخاصم و داخل جنگ که تکلیفشان معلوم است يك دسته دیگر ممالکی هستند که داخل جنگ نیستند و بعنوان بیطرفی و از لحاظ جغرافیائی و از لحاظ مقتضیات و مصالح خودشان ناچار شده اند بیکی از دو طرف متمایل شوند البته جنگ بقدری حاد است و بقدری دنیا گیر شده است که ایرادی به يك کسانی که در حال بیطرفی بیک طرفی متمایل شوند نیست اصول بین المللی همانطوری که آقای نخست وزیر فرمودند اساس و مقررات خود را گم کرده است اگر سابقاً يك دولتی به يك دولتی اعلان جنگ میداد باید مقررات بین المللی را رعایت کند نمایندگان خودشان را بخواهند و اعلان جنگ بدهند و چه بکنند و چه نکنند با گردول بیطرف بودند يك مقرراتی داشتند که آن مقررات بجای خود بایستی رعایت شود ولی امروز و در این جنگ متأسفانه آن مقررات بهم خورد و ما هم که نمیدانیم این جنگ کی تمام خواهد شد و خدا میداند که تا کی طول میکشد و بکجا منتهی میشود در هر صورت ما هم در این گیر و دار واقع شدیم قسایالی به ما روی آورد و حوادثی رخ داد و تأثیراتی در مملکت ما کرد که تکرار آنها

زائد است زیرا هم وقت آقایان گذشته و هم تکرار آن مطالب شاید خوش آیند نباشد. دو همسایه قوی ما وارد جنگ شده اند و در يك صف قرار گرفته اند و البته از ما هم بمناسبت اینکه در يك موقعیت خاصی واقع شده بودیم انتظاراتی دارند و متوجه ما شده اند پیشنهاداتی کردند و خواستند ارتباطی ما بین هم از طرف ایران حاصل کنند خلاصه آنکه کار رسید به قضیه ورود بخاك ایران و مبادله آن مراسلات و بالنتیجه پیشنهاد پیمان اتحاد، گویا آقای آزادی بودند که فرمودند ما يك مراسلاتی داشتیم و دیگر این پیمان از وی داشت آقای نخست وزیر گمان میکنم کردار توضیح دادند که مبادله این مراسلات در يك موقعی شد که آنها با حال خصومت وارد ایران شدند ولی بعد از آن آنها گفتند که در عالم همسایگی و در عالم دوستی میل داریم این سوء تفاهمی که بین ما پیدا شده است رفع شود ما میخواهیم مردم ایران و مردم دنیا بدانند که ما با دولت ایران در حال خصومت نیستیم ما پیشنهاد میکنم بیاوید و يك قراردادی منعقد بنمائید که طرفین منافع فعلی را در نظر بگیریم تا این جنگ بگذرد و دوره اش را طی کند و این قرارداد هم از بین میآید و رفاقت ما برقرار دوستی ما استوار این بود که پیمان اتحاد بوجود آمد البته آقایان حالا خواهند گفت مثل این که بعضی از آقایان اشاره فرمودند و در جلسه خصوصی هم گفته شد که این پیمان اتحاد چه ضرورتی دارد آقا اینها دو دولت همسایه قوی ما هستند امروز اینها بمناسبت قضایائی به ما پیشنهاد دوستی میکنند و میل دارند بمناسبت وقایع مهمی که برای آنها در دنیا رخ داده از راه های ما استفاده هائی بکنند همانطور که در پیمان هست و به ما هم پیشنهاد میکنند میگویند اوضاع اقتصادی شما بد است امروز شما با هیچ جای دنیا ارتباط ندارید و سیاه ندارید حیات اقتصادی خودتان را تأمین کنید ما حاضریم که شما کمک کنیم ما چه بکنیم؟ بگوئیم نه، این که شرط مملکت داری نیست اگر میگویند مطمئن باشید که به استقلال شما خدشه وارد نمیشود اگر میگویند بعد از آن موقع معینی که در قرارداد نوشته شده

است خاك ایران را ترك میکنیم میگویند این کار را نمیکنیم؟ و سایر مطالب دیگر که در خود قرارداد ذکر شده است فقط يك چیز مهم در اینجا هست که آقایان بایستی در نظر بگیرند و آن این است که متأسفانه بایستی اعتراف کرد (حالا باز گذشته اشاره میکنم) و آن این است که يك سوء ظنی برای آنها ایجاد شده است و با بستن این قرارداد بدی از کارهائی که میشود این است که آن سوء ظن مرتفع میشود و اعتماد جای آنرا خواهد گرفت و آنها خواهند دانست که ما هیچ قصدی نداریم و بدوستی خودمان با همسایگان خودمان اهمیت میدهیم بالاخره ما همسایه هستیم تا هستیم تا روسیه هست و انگلستان هست ما همسایه هستیم و ما بایستی روابط خودمان را با آنها محکم کنیم و منافع خودمان را با دوستی و حسن تفاهم حفظ کنیم و در این گیر و دار دنیائی که معلوم نیست چه خواهد شد ما هم بتوانیم بالاخره تکلیف خودمان را بدانیم این است وضعی که بنده بطور اجمال اشاره کردم و جناب آقای نخست وزیر هم توضیح دادند و کاملاً تمام آنها را روشن فرمودند امیدوارم جنگ بزودی تمام شود خون ریزی باختر برسد نوع بشر روزگار خوشی از سر گیرد و این پیمان و این قرارداد هم که موقتی است باختر برسد و منقضی گردد. آقایان دائماً اشاره میکنند ما با همسایگان عهدنامه داریم و فصول عهدنامه را در اینجا میخوانند عرض کردم این قرار داد فعلی را يك وضع خاص و فوق العاده پیش آورده است و این قرارداد دائمی نیست و عمر طولانی هم ندارد و خاتمه این قرارداد مربوط است بخاتمه جنگ جنگ که خاتمه پیدا کرد این قرارداد هم از بین میرود از بین هم که رفت تمام این حرف ها هم از بین میرود کشور ایران آن طوری که منظور نظر همه ما هست و همان طور که عرض کردم از پیش آمد های سخت از این اوضاع هم خلاصی یابد و همیشه زنده بوده ایم و باز هم زنده خواهیم ماند (انشاء الله) آقای مؤید احمدی راجع به کثیر پروژه اشاره فرمودند ایشان که در کارهای پارلمانی سابقه زیاد دارند خوب میدانند که کار عهدنامه و قرارداد يك چیزی است بین دو طرف و البته گفته می شود مشاوری میشود اگر بنا بود آن کثیر پروژه که

تنظیم شد قبول کنند که دیگر مذاکره و مشاوری موضوعی ندارد البته کثیر پروژه طوری تنظیم شده بود که آنچه را میخواستیم منظور کرده بودیم وقتی که فیما بین گذاشته شد يك قسمتی را قبول کردند و يك قسمت را قبول نکردند و این پیمانی که تقدیم مجلس شورای ملی شده آن طرحی نیست که روز اول دولتی با پیشنهاد داده بودند روی آن خیلی مذاکره شده است تا بالاخره با پنجار سپیده که ملاحظه میفرمائید راجع به قسمت اقتصادی آقای آزادی اشاره فرمودند که نمیدانیم چیست این قضیه اقتصادی موضوعی است که در اینجا ما به آن اشاره کردیم و البته گمان نکنید که يك طرحی است که موجب این خواهد شد که برای ما يك صحتی ایجاد کند برعکس ما امیدواریم همانطور که دولتی با وعده داده اند همین روزها داخل مذاکره آن بشویم و طرح مناسبی با احتیاجات فعلی و با در نظر گرفتن اوضاع اقتصادی به مجلس بیاوریم در خاتمه تقاضا دارم به مذاکرات در کلیات خاتمه داده شود که زود تر نظر آقایان نمایندگان معلوم و تکلیف دولت هم همین گردد بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - آقای دکتر سنگ.

دکتر سنگ - آنچه را که بنده اطلاع دارم غالباً آقایان وزراء در هیئتشان اتفاق می افتد که تا ساعت ده بلکه بیشتر می نشینند و کار میکنند. در مجلس هم يك عده موافق است و يك عده مخالف و ما هم اگر يك شب تا ساعت ده به نشینیم و این مذاکراتی که لازم است بعمل آید چه عیب دارد و از مخالفین هم که اسم نوشته اند چند نفر بیشتر باقی نمائند است خوب است آقایان موافقت بفرمایند مذاکرات لازمه بشود.

وزیر فرهنگ - عرض کنم مقصود از کفایت مذاکرات

البته کفایت مذاکرات در کلیات است و جلوگیری از نطق آقایان در فصول بهیچوجه نمیشود و آقایانی که نظریات اصلاحی دارند نسبت به فصول پیشنهادات خودشان را امشب میدهند و مطابق نظامنامه در بیست و چهار ساعت دیگر در همین مجلس مطرح میشود و هر اعتراضی دارند نسبت به آن ماده بیان میکنند و بطور تفصیل هم میتوانند صحبت کنند

در هر حال جلوگیری از اطلاق آقایان بهیچوجه من الوجوه نشده است و نخواهد شد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

طهرانی - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات.

رئیس - بفرمائید.

طهرانی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم برای اینکه

اجازه بنده قبل از چند نفر بود و مذاکره شد که پیشنهادات داده شود و بعد در فصول مذاکرات لازمه بشود اگر

اجازه بنده محفوظ خواهد بود که در شور دوم عرایض خودم را بکنم که عرضی ندارم و اگر محفوظ نیست که بنده مخالفم

با کفایت مذاکرات و بطور کلی هم با این قرار داد مخالفم و عرایضی هم دارم که چنانچه اجازه بفرمایند عرض کنم.

رئیس - بطوری که آقای وزیر فرهنگ فرمودند اعتراضاتی که در فصول هست بایستی بصورت پیشنهاد آقایان

بدهند و پیشنهاداتی که داده میشود در جلسه آتی مطرح میشود و توضیحات خودشان را آقایان میدهند آقای لیکوانی.

لیکوانی - باید هر کس که پیشنهاد میدهد توضیح هم بدهد.

رئیس - مطابق نظامنامه بایستی پیشنهادات قبلاً طبع و توزیع شود بعد اگر لازم شد در جلسه آتی صحبت میکنند.

۴- استرداد لایحه مربوط به تصفیه امور املاک و تقدیم لایحه جدید از طرف آقای وزیر دادگستری

رئیس - آقای وزیر دادگستری فرمایشی دارد.

وزیر دادگستری - بنده خیلی معذرت میخواهم از این

که بعد از چهار ساعت و نیم که وقت مجلس صرف مذاکرات شده است و آقایان خسته شده اند چند ثانیه وقت آقایان را

لایزم میدانم اشغال کنم و میخواهم یک توضیحاتی هم در این باب عرض کنم ولی چون وقت گذشته است صرف نظر میکنم

و توضیحات را میگذاریم برای وقت دیگر. آقایان در نظر دارند که در آخر دوره دوازدهم بنده یک لایحه تقدیم کردم

راجع به املاک و گذاری و آن لایحه اوقاصی داشت که در ضمن لایحه دیگری که حالا تقدیم میکنم آن اوقاص مرتفع

شده است فعلاً اجازه میخواهم که آن لایحه سابق را استرداد کنم و این لایحه را بجای آن تقدیم کنم که بجای آن بطور

عادی مطرح شود.

رئیس - لایحه به کمیسیون رجوع میشود. آقای کلشائیان.

۵- تقدیم لایحه مربوط به یکی شدن وزارتخانه های بازرگانی و پیشه و هنر

وزیر پیشه و هنر و بازرگانی (آقای کلشائیان) - لایحه قانونی است راجع به تسمیم وزارت پیشه و هنر و بازرگانی که تقدیم میشود.

رئیس - به کمیسیون رجوع میشود.

۶- موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - اگر تصویب میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده روز چهارشنبه دهم دی ماه

سه ساعت پیش از ظهر دستور هم بقیه مذاکرات پیمان.

مجلس هشت ساعت قراریم بعد از ظهر ختم شد

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری